

وجود بیشتر دهد و قدری برای ضرورت نهد ، صاحب اینار همه را دهد و خود و عیال را به خدا سپرد و این مرتبه بزرگان دین است که هر چه داشتند در راه نیازمندان اینار و نثار کردند !

... وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ . یکی هزینه کند و چشم بر پاداش دارد ، دیگری دل در دفع مضرت و رفع بلا بسته ، یکی دیگر بآن جهت هزینه و انفاق کند که خدا را می داند و می بیند !

۹۴- فَمَنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ . آیه . ستم کاران به خدا دروغ سازند و پیغمبر فرموده که دروغ همه جا حرام است و گناهی است بسیار بزرگ ، مگر در مورد اسرار جنگ و در مورد برقراری صلح ! که دروغ گفتن در مورد اول واجب و در مورد دوم گناه نیست ، زیرا ممکن است راست گفتن در مورد جنگ به زیان مسلمانان تمام شود و در مورد صلح توفیق حاصل نگردد .

### تفسیر لفظی

۹۶- اِنْ اَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًىٰ لِلْعَالَمِينَ . اولین خانه ای که برای مردمان بر زمین نهاده شد خانه مکه است که برکت در آن است و راهنمای و رهبری برای جهانیان است .

۹۷- فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ اِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنْ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ . در آن خانه نشانه های روشنی است فرودگاه و نشستن گاه ابراهیم ، که هر کس در آن خانه داخل شد ایمن گشت و بر مردم است که برای خدا زیارت کعبه کنند البته کسانی که توانائی دارند و توانند راهی به آن برند و هر کس کافر شد (چه باک؟) که خداوند از همه جهانیان بی نیاز است .

۹۸- قُلْ يَا اَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُوْنَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُوْنَ . بگو به اهل تورات چرا به سخنان خداوند کافر میشوید در حالیکه خداوند به آنچه شما می کنید گواه است ؟

۹۹- قُلْ يَا اَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّوْنَ عَن سَبِيْلِ اللَّهِ مِمَّنْ آمَنَ تَبْغُوْنَهَا عِوَجًا وَاَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَّمَا لِلَّهِ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُوْنَ . بگو ای خوانندگان تورات ، چرا کسانی که ایمان آورده اند از راه خدا باز می گردانید و راه کج به آنها می نماید ؟ و خود شما گواهد که این راه راست است و خداوند از کارهای شما نا آگاه نیست .

۱۰۰- اَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوْا اِنْ تَطِيْبُوْا فَرِيْقًا مِّنَ الَّذِيْنَ اُوْتُوْا الْكِتَابَ يَتَرَدُّوْكُمْ بَعْدَ اِيْمَانِكُمْ كَافِرِيْنَ . ای کسانی که ایمان آوردند اگر گروه داندگان تورات را فرمان برید ، شما را پس از ایمان آوردن کافر می سازند !

۱۰۱- وَكَيْفَ تَكْفُرُوْنَ وَاَنْتُمْ تَتْلُوْا عَلَيْنَكُمْ آيَاتِ اللَّهِ وَفِيْكُمْ رَسُوْلُهُ وَمَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ . چگونه پس از ایمان ، کافر میشوید ؟ در حالیکه برای شما سخنان خدا می خوانند و در میان شما فرستاده خدا است و هر کس دست در خدای زدند براه راست رهنمونی شده است .

### تفسیر ادبی و عرفانی

۹۶- اِنْ اَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ . آیه . کردگار قدیم و جبار عظیم در این آیت فضیلت و شرف کعبه را بیان فرمود و بزرگواری آنرا فرا جهانیان نمود ، خانه ای که جهانیان روی بدان نهند و مؤمنان گرد آن گردند ، خانه باخبر و برکت ، باشکوه و کرامت ، کس در آن نشد مگر بانثار رحمت ، و کس باز نگشت مگر با تحفه مغفرت ، خانه ای که نماز

در آن تمام (نه قصر) حج بدان تمام ودعا در آن مستجاب و زندگی در آن قربت ، و مرگ در آنجا شهادت است .  
 ۹۷- فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ آيه . در آن خانه نشانه‌های روشن است یکی از آن نشانه‌ها مقام ابراهیم است که از روی ظاهر، اثر قدم ابراهیم بر سنگ خاره است که روزی قدم بر آن برداشت ، لاجرم خداوند آنجا را قبله مؤمنان قرار داد ، اشاره باین است که هر کس یک قدم در راه وفای خدا برداشت باطن وی قبله نظر حق گردد و ابراهیم آنچه داشت از مال و جواهر همه را در راه خدا در باخت و فرزند را که به قربان داد و مال را به مهان او و بزبان حال گفت :

امروز که ماه من مرا مهمان است      بخشیدن جان و دل مرا پیمان است  
 دل را خطری نیست سخن در جان است      جان افشانم که روز جان افشان است

ابراهیم را گفتند : چه شد که دل از همه برگرفتی و همه در باختی؟ گفت : سلطان دوستی ، قاهر است و با کسی و با چیزی نسازد و جای خالی خواهد - پس چون از نهاد خویش و دیگران پاک بیرون شد بر او منشور دوستی زدند پس مقام ابراهیم را شرف از سنگ نیست بلکه از اثر قدم ابراهیم است .

حج خانه خدا :

.... وَ لِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ آيه . سفر حج بر مثال سفر آخرت است ، هر چه در سفر آخرت پیش آید از احوال و احوال و مرگ ، همه نمودار رستخیز است و زیرکان چون این سفر پیش گیرند هر جا رسند از آخرت یاد کنند و عبرت گیرند و چون از اهل و عیال و دوستان وداع کنند ، مثال سبکدوشی و حالت نزع است که با همه وداع کنند و اینکه زاد سفر ساختن گیرد از آنست که داند آن با وی نماند و زاد بادیه نشاید و داند که طاعت باریا و با تقصیر در توشه آخرت نباید و باید راستی و راست کاری پیشه کند که گفته اند :

راست کاری پیشه کن کافر مصاف رستخیز      نیستند از قهر حق جز راستکاران رستگار

و اینکه لپیک لپیک گوید ، به جواب ندای حق از ندای روز قیامت براندیشد .

گویند : حضرت علی بن الحسین (ع) را در وقت احرام دیدند زرد روی و لپیک نمی گوید ! سبب را پرسیدند؟ فرمود : ترسم که اگر گویم لپیک جواب رد رسد و آنگاه گفت : شنیده‌ام هر کس از مال شهنیت حج کند لپیک او را جواب رد دهند .

و اما طواف و وقوف عرفة و آن اجتماع انبوه مردم و خروش و زاری به زبانهای گوناگون ، همه به عرصه قیامت ماند که همه خلاق گرد آیند و هر کس بخود مشغول و در انتظار رد یا قبول است !

### تفسیر لفظی

۱۰۲- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ . ای

کسانیکه ایمان آورده‌اند ، از خشم و عذاب خداوند پرهیز کنید به سزا پرهیزیدن و نمیرید جز آنکه مسلمان باشید .

۱۰۳- وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً

فَالْتَفَبَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا . همگی دست بزنید به حبل خداوند و پراکنده نشوید و نعمتهای

الاهی را یاد بیاورید که همگی دشمن یک دگر بودید و خداوند میان دلهای شما الفت نهاد و فراهم آورد تا همگی با هم برادر

شدید . وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ

تَهْتَدُونَ. و یاد بیاورید که شما بر تیغ کنار آتش بودید و شمارا از آن رهانید، این چنین است که خداوند نشانه‌ها و سخنان نیک خود را برای شما بیان می‌کند تا مگر راه بیابید.

۱۰۴- وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. باید از شما گروهی باشند که مردم را بسوی نیکی و نیکوکاری بخوانند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و اینانند مردمان رستگار (۱).

۱۰۵- وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ. و نباشید مانند کسانی که برانگیزیدند و دو گروه شدند بعد از آمدن تورات به آنها و ایشانرا عذاب بزرگ است.

۱۰۶- يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ آيَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ. روزی که روی‌های سپید گردد و روی‌های سیاه گردد، اما به آنها که سیاه رو گشتند گویند: آیا شما پس از ایمان آوردن کافر شدید؟ پس بچشید عذاب الاهی را بسبب آنکه کفر آوردید.

۱۰۷- وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. اما آنها که روی‌هاشان سپید بود؛ پس آنان در بخشش خدایند و در بهشت وی جاویدانند.

۱۰۸- تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ. این سخنان خداوند است که بر راستی و درستی بر شما می‌خوانیم و خدا آن کس نیست که در باره جهانیان بیداد کند.

۱۰۹- وَاللَّهُ مَافِي السَّمَاوَاتِ وَمَافِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ. و خدای راست هر چه در آسمانها و زمین است و بازگشت همه کارها بسوی خدا است.

### تفسیر ادبی و عرفانی

۱۰۲- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ. آیه. خداوند هر جا خطاب یا آیها الناس گفت، اتقوا ربکم در آن پیوست و هر جا که یا آیها الذين آمنوا گفت، اتقوا الله در آن پیوست چه آنکه (اتقوا ربکم) خطاب عموم است که تقوی‌شان بر دیدار نعمت است و همتشان پرورش تن برای خدمت به حق است، ولی (اتقوا الله) خطاب به اهل نواخت و کرامت است که تقوایشان بر مراقبت منعم و قصدشان راحتی روح در مشاهدت حق است و چقدر این مرتبه با هم تفاوت دارند ازیرا اولی خطاب به مزدوران است و دومی خطاب به عارفان، مزدوران در طلب ناز و نعمت و عارفان در طلب راز و ولی نعمت، مزدوران از خداوند جزا خواهند و عارفان خود او را خواهند.

گویند: عارفی و اصل، خداوند را بنخواب دید که باومی گوید: همه مردم از من چیزی می‌خواهند و بایزید تنها مرا می‌خواهد او بزبان حال گوید:

روزی که مرا وصل تو در چنگ آید از حال بهشتیان مرا ننگ آید!

... اتقوا الله حَقَّ تَقَاتِهِ. آیه. گفته‌اند: تقوی سه قسم است: یکی تقوای کيفر در شکیبائی از گناه، دوم تقوای در شکر نعمت، سوم تقوای به دیدن وحدانیت بی اعتبار ثواب و عقاب اولی تقوی ظالمان است و دومی تقوای مقتصدان است و سومی تقوای سابقان است.

(۱) مفسران نوشته‌اند: نهی از منکر مهمتر از امر به معروف است و وجوب آن مؤکدتر و کيفر ترك آن بیشتر است.



نرسانند مگر به سخنی ناپسند و اگر با شما جنگ کند پشتها بر شما برگردانند و آنگاه از هیچ کس یاری نیابند.

۱۱۲- ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الدِّلَّةُ اَيَّنَ مَا تَقِفُوا اِلَّا بِحَبْلِ مِنَ اللّٰهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ وَبَاؤُ بِغَضَبِ مِنَ اللّٰهِ. همه جا ببیند که ذلت و خواری برایشان زده آمده، مگر به آن زهار که خدای آنان را نهاده و ذمت که ساخته است و بدان زهار که مسلمانان ایشانرا دهند و گرفتار خشم خداوند هستند او ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكُمْ بَايَاتُهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللّٰهِ وَيَقْتُلُونَ اِلَّا نَبِيَّاءَ بَغْيٍ حَقَّ ذَلِكُمْ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ برایشان مُهر بیچارگی و فروماندگی زده اند باین جهت که ایشان به سخنان حق کافر شدند و پیمبران را بناحق کشتند، این بدان سبب است که عصیان ورزیدند و پیش از اندازه پا بیرون نهادند!

۱۱۳- لَيْسُوا سَوَاءً مِّنْ اَهْلِ الْكِتَابِ اُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللّٰهِ اَنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ اهل تورات همه یکسان نیستند از جمله آنها کسانی هستند که بحق گفتن بپا خاسته و ایستاده اند و سخنان خدای را در پاس پاسهای شب می خوانند و سجده می کنند.

۱۱۴- يَوْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَاَيُّ مَرُوفٍ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَاُولٰٓئِكَ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ. آنان بخدا ایمان می آورند و به نیکویی می فرمایند و از ناپسند باز می زنند و در نیکویی شتابند و اینان از نیکان و از شایسته گانند.

۱۱۵- وَمَا يَفْعَلُوا مِّنْ خَيْرٍ فَلَن يُكْفَرُوهُ وَاَللّٰهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِيْنَ. و هر چه از نیکی کنند در پاداش آن ناسپاس نیابند و خداوند به پرهیزکاران دانا است.

۱۱۶- اِنَّ الدِّينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ اَمْوَالُهُمْ وَلَا اَوْلَادُهُمْ مِّنْ اللّٰهِ شَيْئًا وَاُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. کسانی که کافر شدند، نه مال و نه فرزندانشان برایشان سودی ندارد و به نزد خداوند ارزش ندارد و آنان دوزخیانند و اندر آتش جاوید اندند.

### تفسیر ادبی و عرفانی

۱۱۰- كُنْتُمْ خَيْرَ اُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ. این آیت از روی بیان شرف صحابه محمد مصطفی است که ارکان خلائق اند و برهان دقائق، عنوان رضای حق اند و ائمه اهل سعادت، و انصار نبوت و رسالت. بعضی از مفسران حکم این آیت را بر عموم رانند و گفتند این حقیقت به شرف امت محمد بازمی گردد از عهد او تا روز رستاخیز و آنان امت اتباع هستند، امت دیگر امت اجابت و امت سوم امت دعوت هستند و این آیت در شأن امت اتباع نازل شده و مشتمل بر صفت و سیرت سعیدان ملت آنان و امینان درگاه عزت و اشراف علین و اعزه رب العالمین هستند یعنی حاملان قرآن و خازنان آثار که ظاهرشان به متابعت از شریعت و باطنشان به معرفت حق و فراست آراسته است.

... تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ آیه. به زبان اهل اشارت معروف خدمت حق است و منکر صحبت نفس، معروف روشنائی جمع است و سبب وصلت و منکر تاریکی وقت است و مایه بدعت، آن نواختگان فضل راست، و این زخم خوردگان عدل راست. این دو چیز کی برابر باشند؟ و چگونه خواندگان فضل و رانندگان عدل با هم بسازند؟ چون هم پایه نباشند و دانا و نادان با هم راست نیابند، چنانکه آشنا و بیگانه و خدا پرست و هوی پرست با هم نسازند.

کسی سمندر صف مردان به می خواری کمر بندد

برابر کی بود؟ با آنکه دل در خیر و شر بندد

## تفسیر لفظی

۱۱۷- مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتَهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَالْكِنَ الْأَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ . نمون آنچه کافران در زندگانی این جهان انفاق می کنند مانند بادی است که در آن سرمای سخت است و ناگاه به کشت زار کسانی رسد که ستم بر خویشان روا داشتند و سزاوار کيفر گشتند، پس آن کشت زار تباه گشت و خداوند بر آنها ستم نکرد بلکه آنان خود بر نفس خویش ستم کردند .

۱۱۸- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بِيَدَيْكُمْ دُونَكُمْ آلِيَاءَ لَتُونَكُمْ خَبَالًا وُدًّا وَمَا عِنْتُمْ قَدِ بَدَدْتِ الْبَغْضَاءَ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ای کسانی که ایمان آوردند، از بیرون خویشان دوست ازدل و محرم نگیرید، آنان رنج و محنت شمارا دوست دارند، زشتی و نابکاری از دهانشان آشکار است و آنچه در سینه هاشان پنهان می دارند بیشتر و بزرگتر است از آن زبانهای پیدا، ما سخنان را بشما بیان کردیم اگر خیر دازید .

۱۱۹- هَلْ أَنتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا الْقَوْمُ قَالُوا آمَنُوا وَآخَلَوْا عَضْوًا عَلَيْكُمْ أَلَّا تَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنْ اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ . آگاه باشید، شما اینانید که آنان را دوست می دارید در صورتیکه ایشان شمارا دوست نمی دارند و شما به تمام کتاب ایمان دارید و آنها وقتی شمارا ببینند می گویند: ایمان آوردیم ولی وقتی تنها شدند انگشتان خود را از غیظ و کین می خایند ا بگو ای محمد به آنها، که به کین و غیظ خود بمیرید، که خداوند به آنچه در دلتا است بصیر و دانا و آگاه است .

۱۲۰- إِنْ تَمَسَسْتُمْ حَسَنَةً تَسْؤُهُمْ وَإِنْ تُصِيبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنْ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ . اگر بشمائیکی رسد آنان را بد آید و ناسایش باشد و اگر شما بدی رسد شاد می شوند و اگر شما شکیبائی و پرهیزکاری پیشه کنید، کین و کید آنان ذره ای بشما زیان نخواهند رسانید و خداوند به آنچه آنان می کنند دانا و محیط است .

۱۲۱- وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ نَبِيٍّ مِنَ الْمُنْذِرِينَ مَقْلَعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (ریاد بیاور آنگاه) که از خانه و کسان خویش دور شدی و مؤمنان را آماده برای جنگ می ساختی و خداوند شنوا و دانا است .

۱۲۲- إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلَئِنَّ كَلَّ الْمُؤْمِنُونَ آنگاه که دو گروه از شما خواستند بددل شوند و در جنگ (أحد) پشت کنند و خداوند خود یار آنها است که برنگشتند، و باید مؤمنان بخدا توکل کنند و کار را به او سپرند .

## تفسیر ادبی و عرفانی

۱۱۷- مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا . آیه . هر چه هزینه کنند جهانیان در کار دنیا و هر چه بدست آورند از عشق دنیا چون باد است، گیرنده باد چه در دست دارد؟ جوینده دنیا همان را دارد!

در دایره در بیجا که از آن خاست و نشست  
خاکی است مرا بر سر و باد است به دست

سلیمان پیغمبر که باد دیر و مرغ همه مسخر او بودند روزی به تخت پادشاهی نشسته بود و آن تخت باد دیگر ارکان

دولت و اولیاء مملکت بر پشت باد اندر هوا ایستاده بود! مورچه‌ای براه وی آمد و گفت: ای پیغمبر، خداوند با توجه کرامت در این جهان کرده؟ جواب داد چنانکه می‌بینی باد را بفرمان من کرده! گفت ای پیغمبر خپرداری که این چه اشارت است؟ می‌گوید: آنچه را بتو از این مملکت دادند همچون باد است از باد در دست داشتن چه حاصل!

۱۱۸- لَا تَتَّخِذُوا بِلَطَانَةِ مَن دُونِكُمْ آیه . اقتضای این آیت آنست که هر چه در راه آید که سر به فساد زنی، از آن باید احتراز نمود و دوری کرد و آن چهار چیز است: یکی دنیا، دیگری خلق، سوئی نفس، چهارمی شیطان. دنیا توشه و زاد است و تو مسافر در کشتی نشسته! اگر زیادت برگیری کشتی شکسته و غرق شود و تو هلاک شوی، خواهی که از فتنه دنیا رهائی یابی بدان و بخوان که: سبک باران رستند و گران باران نخستند!

دوم خلق است که تارنده از درگاه حق نبود گیرد خلق نگردد، چه هر که با خلق آرام گرفت از حق باز ماند! دوستی حق و دوستی خلق در یک دل با هم جمع نشوند.

مهر خود و یار مهر یافت نرسد این خواه گز آنکه این و آنت نرسد

سوم نفس است که مایه هر سودائی است و اصل هر غوغائی، اگر توفیق رفیق بود و در جهاد بانفس او را دست باشد، کارت چنان آید که رستگار شوی.

چهارم شیطان است که خداوند به او فرمود: برو با آنها در مال و فرزند شریک باش. اما نه هر دلی خانه شیطان بود! دل باشد که حرم رحمان بود و شیطان نیارد که گیرد وی گردد که بسوزد!

یکی از بزرگان عارفان به در خانه‌ای بر می‌گذشت، شیطان را دید که سر به در فرامی‌گیرد، گفت: اینجا چه می‌کنی؟ گفت: اینجا مردی خفته و نامردی نمازی گزارد، خواهم که درون روم و او را وسوسه کنم، لکن از تیر نموزه آن خفته نمی‌بارم که اندر روم!

۱۱۹- هَا أَنتُمْ أَوْلَاءُ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ آیه . مؤمنان که دلهای صافی و طبع کریم داشتند، شفقت و رحمت خود از دیگران باز نگرفتند و ایشانرا نیک خواستند و دل در اسلام ایشان بستند و نجات ایشان خواستند و رحمت خدا دریغ نداشتند، اما کافران که نه در دل صفا و نه در طبع وفادارند هرگز مؤمنانرا نیک نخواهند و دوست ندارند و به نیکیشان اندوهگین شوند و به بدی آنان شاد گردند. آری هر کس آن کند که شایسته او است، مؤمن باید کریم باشد و مهربان، که سزای ایمان کبر است و جوان مردی او کافر باید لئیم باشد و بد خواه که سزای کفر ناکسی است.

### تفسیر لفظی

۱۲۳- وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ . بدرستی که خداوند شما را در جنگ بدر یاری کرد در حالیکه شما در چشم دشمن خوار و سست بودید! پس از اندیشی نسبت به خدای و گله کردن از وی بپرهیزید تا از سپاس گزاران باشید.

۱۲۴- إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ . یاد داری آن گاه که می‌گفتی به مؤمنان آیا شما را بسنده نبود که خداوند شما را به سه هزار ملائکه فرو فرستاده از آسمان یاری داد؟

۱۲۵- بَلَىٰ إِنَّ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَلْذَٰلِكُمْ يُعْذِرُكُم بِخَمْسَةِ آلاَفٍ

مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ . آری چنین کم اگر شکیبائی و پرهیزکاری پیشه کنید و از بد دلی و گریختن از جلوه دشمن دوری کنید و آنان از خشمی که نسبت بشما دارند بسوی شما آیند و بتازند و خداوند شما را به پنج هزار از فرشتگان خود که همه به نشانه جنگ آراسته اند یاری خواهد کرد .

۱۲۶- وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُم بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ . و خداوند آن یاری را نمود جز برای شادی شما و برای آنکه دلهای شما آرام گیرد ، و نیست یاری مگر از جانب خدای توانای دانا .

۱۲۷- لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ . شما را خداوند یاری کرد تا گوشه‌ای از گروه کافران ببرد یا آنانرا بهزیمت و یا بر روی افتادن برساند تا نومیدانه از آنچه می‌خواستند برگردند .

۱۲۸- لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ . تورا در این کار چیزی نیست و خدا است که آنان را توبه دهد یا عذاب کند که اینان ستمکارانند .

۱۲۹- وَاللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ . و خداوند راست آنچه در آسمانها و زمین است ، می‌آمرزد هر کرا بخواد و کیفر دهد هر کرا که بخواد و او است آمرزنده و مهربان .

۱۳۰- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ . ای کسانی که ایمان آوردند ، ربا نخورید تو در تو و از عذاب خدا پرهیزید شاید رستگار شوید .

۱۳۱- وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ . و پرهیزید از آتشی که برای کافران آماده شده ا

۱۳۲- وَاطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ . و خدا و رسول را فرمان برید تا مگر بر شما ببخشد .

### ❁ تفسیر ادبی و عرفانی ❁

۱۲۳- وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ . آیه . این رقم ذلت که خدای برایشان کشید از روی کمی عده و نظر عامه است و گرنه از آنجا که نظر خاص است و حقیقت کار است ، کسی که خدا یار و یاور است چون توان گفت که ذلیل و خوار است ؟ پیر طریقت گفت : خدا یا به شناخت تو زندگانیم ، به نصرت تو شادانیم ، به کرامت تو نازانیم ، به عزت تو عزیزانیم . خداوندا ، ما که به تو زنده ایم هرگز کی میریم ؟ ما که به تو شادمانیم کی اندوگین شویم ؟ ما که به تو نازانیم چون بی توبه سر آریم ؟ ما که به تو عزیزیم هرگز چون ذلیل شویم ؟

گویند : مردی هارون رشید را امر به معروف کرد ، هارون را خشم گرفت و او را با شیر درنده در اندرون کرد و ذرا استوار به بست ، شیر به فروتنی نزد آن مرد آمد و او را رنجه نکرد پس از آن او را میان بستان خلیفه دیدند شادان و تماشاکنان در حالیکه درب اندرون همچنان استوار برگرفته بود ا هارون را از حال وی آگاه کردند او را بخواند و گفت : چه کسی تورا از خانه بیرون آورد ؟ گفت : آن کس که مرا به بستان فرود آورد ؟ گفت آن که بود ؟ گفت همان کس که مرا از خانه بیرون آورد ا هارون متنبه شد و گفت تا او را اعزاز و احترام کنند ، آنگاه فرمان داد منادی در شهر ندا کند و بگوید که : هارون رشید خواست مردی را خوار و رنجه کند ولی خداوند او را عزیز گردانید و هارون نتوانست ا

۱۲۴- اذِ تَبْتَغُوا لِيْلْمُؤْمِنِينَ . آیه . یاری دادن خداوند بواسطه فرشتگان ، از باب اکرام مؤمنان است

وزیادتی نعمت برایشان که پنداشته بودند که یاری همین باعدداست! ولی آنانکه نوریقین دردل داشتند و دل ایشان با وعده خداوند آرامش داشت نظرخاص ایشان آن بود که نیست یاری جز از نزد خدا! والبته آنجا که نصرت خدائی بود چه نیازی یاری عددی باشد؟ چه بسا گروه اندک که برگروه بیشتر پیروز گردند، چه باک اگر لشکر اندک بود و عدد کم و یاران ضعیف! ضعیفتر از لشکر مرغ و قوی تر از اصحاب فیل، بنگرید که چسان از آن مرغان ضعیف بآن گروه قوی چه رسید؟ و از پشه کتر و کتر چه باشد که نمرود با آن همه قوت و قدرت در برابر پشه ای درماند تا هلاک شد.

۱۲۹- وَ لِلّٰهِ مَفَی السَّمٰوٰتِ وَمَفَی الْاَرْضِ اَیة . بدان که آسمانها و زمین مر خداوند است و همه یاریها و پیروزیها و شکستها همه از خدا است و نوازش و آزمایش هم از اوست و کارها همه به خواست او است و از این رو بود که به پیغمبر اکرم فرمود: ای محمد؛ تو را از کار چیزی نیست آن همه منم که خداوند منم و کارهای خود گزارم، راه را خود نمایم، دل را خود گشایم و به کس باز نگذارم که امر امر من است و حکم حکم من! و اختیار اختیار من، آنرا که خواهم خوانم، و آنرا که نخواهم رانم.

۱۳۰- یٰۤاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَا تَاْكُلُوْا الرِّبٰوَا . آیه . ربا بر بندگان حرام کرد یعنی چون یکی وام دادید دو مستانید و آنکه خداوند از تو وام خواست یکی به ده خواست! و این اشارت به کرم خداوند است و سزاوار الاهیت .  
 ۱۳۱- وَاَتَّقُوا النَّارَ . آیه . و اطیعوا . آیه . اول خطاب با عارفان و دوستان ارادان است و آخر خطاب به عاصیان و گناه کاران! با عارفان گوید در من نگرید و با هیبت و رهبت باشید و گناه کاران را گوید از آتش کیفر ما براندیشید و بهراسید، این منزلت عوام مسلمانان و آن مرتبت خواص مؤمنان است، و رونده تا این منزل عوام نه پماید به سر منزل خواص نرسد.

### تفسیر لفظی

۱۳۳- وَاَسْأَلُ عُوْا اِلٰی مَغْفِرَةٍ مِّنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ اُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِیْنَ .  
 و بشتابید به آمرزش از سوی خداوند شما و بهشتی که فراخی آن باندازه آسمانها و زمین است و برای پرهیزکاران آماده شده است.  
 ۱۳۴- الَّذِیْنَ یَنْفِقُوْنَ فِی السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكُلٰطِیْمِیْنَ الْغَیْطِ وَالْعَلَافِیْنَ عَنِ النَّاسِ  
 و الله یُحِبُّ الْمُحْسِنِیْنَ . آن کسانی که انفاق می کنند در شادیا و کامیابیها و در گزندها و ناکامیها و فرورندگان خشم و بازگیرندگان کین و در گذرندگان از مردم و بخشنندگان (آنها پرهیزکارانند).

۱۳۵- وَالَّذِیْنَ اِذَا فَعَلُوْا فٰلِحِیَّةً اَوْ ظَلَمُوْا اَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللّٰهَ فَاَسْتَغْفَرُوْا لِذُنُوْبِهِمْ  
 و آن کسانی که چون زشتی کنند یا بر خویشتن ستم روا دارند، خدا را یاد کنند و برای گناهان خویش آمرزش خواهند و من یَغْفِرُ الذُّنُوْبَ اِلَّا اللّٰهُ وَلَمْ یُبْصِرُوْا عَلٰی مَا فَعَلُوْا وَهُمْ یَعْلَمُوْنَ (چه، آن کیست جز خداوند که گناهان را می آمرزد؟) و می آمرزد) آن کسانی که بر آنچه از گناه کردند اصرار و ابرام ندارند و می دانند که خدا می داند!

۱۳۶- اُولٰٓئِکَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِّنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرٰی مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خٰلِدِیْنَ فِیْهَا وَنِعْمَ اَجْرُ الْعٰمِلِیْنَ . ایشانند که پاداش آمرزش از خدا ایشان دارند و بهشتی که جویهای آب از زیر درختان آن روان است در آنجا جاویدانند و چه نیک است مزد کارکنان و کارگران!

### تفسیر ادبی و عرفانی

۱۳۳- وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ . آیه . خداوند بزرگوار ، جلیل جبار ، کریم غفار ، کردگار نامدار ، حکیم راست دان ، علیم پاک دان ، مهربان کاردان ، بندگان را به خطاب کرامت با هزاران لطافت می‌نوازد و راهشان را بسوی خود می‌کشاند و می‌گوید: بشتابید بندگان من ، پیشی جوئید دوستان من ، نیز گوید : بنده من هر چه بنداست از راه بردار و با کس پیوند مدار ، باشد که روزی سر ببالین امن نمی‌واز اندوه فرقت با زهری آری ، جلیل کاری و عزیز حالی است در سبک باران پیوستن ولیکن بس طرفه کاری است گنجشک را با باز پریدن و پیاده با سوار دویدن!

باطن تو کی کند با مرکب شاهان سفر      تا نگرود رای تو بر مرکب همت سوار  
ای مسکین که همراهی سابقان جوئی و صحبت مردان خواهی | در حالیکه چشمت پر از نام و ننگ و راهت پر از  
فخر و عار است .

پای بردنیا نه و بردوز چشم از نام و ننگ      دست در عقبی زن و بر بند راه فخر و عار!  
گر چه بو در دات باید تاج داری روز خشر      باش چون منصور حلاج انتظار تاج دار!  
لطیفه : دوندگان و شتابندگان در راه خدا مختلفند ، یکی به قدم رفت و یکی به ندم و سومی به هیمم ! - عابد  
به قدم رفت و به ثواب رسید ، عاصی به ندم رفت و به رحمت رسید ، عارف به هم رفت و به قربت رسید!

در آیه پیش فرمود: از آتش پرهیزید یعنی گناه مکنید تا شمارا از آتش برهانم و پیام‌رزم و تنها باین اکتفا مکنید که با طاعت به بهشت رسید که نه هر که از آتش رست به بهشت رسید و نه هر که به بهشت رسید به فردوس اعلا رسید .  
۱۳۴- الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ . آیه . مردم در مقام انفاق سه گروهند : یکی آنکه هیچ نفقت نکند نه در کامکاری و نه در ناکامی ، نه در فراخی نعمت و در روز قحط و شدت ، چنین کس را مطلقاً لثیم گویند ، دوم کسی که در فراخی نعمت نفقت کند نه در تنگی و عسرت و بیشتر خلق خدا از جهان‌نیسان و دنیا داران بر این مقامند که در دنیا دست و دل باز ندارند و همواره بر بیم فقر و نداری باشند ، سوم آنان که در هر حال انفاق کنند چه در حال یسر و چه در حال عسر اما این گونه مردم هم بر دو حال باشند یا مردمی مشهور و بی‌پاک که ندانند از جا گیرند و بکجا دهند و از عاقبت نیندیشند ؟ اینان برادران شیطانند که اسراف کار و تبذیر حالند .

حالت دیگر آنکه مردمی باشند متوکل به خدا و مطمئن به روزی گاری او ، این چنین کسان اعتماد به خزانة خداوند دارند و دل با حق راست دارند ، هر چه دارند خرج کنند و هیچ باز نگیرند و از جای خویش به شرط شریعت به دست آورند و از جای خود بر وفق شریعت خرج کنند ، اینان را خداوند از آن آیت می‌ستاید و انفاق آنان را می‌پسندد .  
... وَالْكٰظِمِيْنَ الْغَيْظِ . آیه . اینکه بر صفت مؤمنان این صفت را افزود ، از آن راه بود که آنان خشم خویش بر کسی نراند و همه گناهان بسوی خویش نهند ! بلکه رنجها را تحمل کنند و با شکیبائی و بردباری آنها را پیش باز کنند .  
... وَالْعٰفِيْنَ عَنِ النَّسِيسِ . آیه . نیز افزود که مؤمنان باید از گناه مؤمنان در گذرند و محو کنند و به آنها اکتفا نکنند بلکه آنها را بنوازند و از فضل مال خویش ایشانرا عطا دهند که این صفت نیکوکاران است و آنانند که خداوند دوستشان دارد .

... وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ . آیه . احسان در معامله حق این است که او را پرستش کنی چنانکه او را می‌بینی و احسان در معامله با خلق آنست که اگر کس با تو بود تو با وی نیک باشی و آن کس که تو را نشاید تو او را بشائی .

۱۳۵- وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً آتَوْهُ. در این آیت لطیفه‌ای نغز است که خداوند خواست تفاوت میان امت موسی و امت محمد را روشن کند چون به موسی وحی فرستاد که ستم کاران را بگوید من نکنند که من آنها را به لعنت یاد خواهم کرد ولی ستم کاران این امت را گفت مرا یاد کنند و ذکر مرا فرو مگذارند که من آنها را رحمت می‌فرستم و می‌آمزم او به زبان حال گویند:

ما را همه مقصود به بخشایش حق بود      المنه لله که به مقصود رسیدیم

### تفسیر لفظی

۱۳۷- قَدْ خَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنَ قَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَدِّبِينَ  
پیش از شما سنت‌ها و نهادهای روزگار گذشت و شما بروید در زمین بررسی کنید و بنگرید که سرانجام آنان که پیغامها و نشانها را دروغ می‌شمرند چگونه است!

۱۳۸- هَذَا بَيِّنَاتٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ. این داستان‌ها بیانی است برای مردم و رهنمون است و پند است برای پرهیزکاران.

۱۳۹- وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. سست نگیرند (در جنگ احد) و اندوهگین مباشید و شما برتری دارید و آخر پیروز خواهید شد اگر دارای ایمان هستید!

۱۴۰- إِنْ يُنْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَاتُ تُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ. اگر بشما امروز خستگی و زحمتی رسید به آن گروه هم مثل شما خستگی و زحمتی رسید و این روزگار است که میان مردمان به گردش می‌آورد و آنرا می‌گردانیم از حالی بحالی. و برای آنکه خداوند (به علم ظاهر) بداند چه کسانی ایمان آورده‌اند و تا از شما گروهی را گواه بر ایمان آنان گیرد و خداوند کافران و ستم کاران را دوست ندارد.

۱۴۱- وَلِيُمَحَّضَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ. و تا پاک کند و بشوید مؤمنان را آنچه به ایشان رسیده و تا تباه و ناچیز کند کافران را.

۱۴۲- أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَلَمْ تَبْلُغُوا عِلْمَ اللَّهِ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ  
پنداشتید که در بهشت میشوید و هنوز خداوند کسانی را که با جان و مال مجاهدت کردند نمی‌داند؟ و شکنجایان شما را نمی‌شناسد!

۱۴۳- وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَتُّونَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ.  
و شما آرزوی مرگ می‌کردید پیش از آنکه به ببینید و دیدید در جنگ احد پس آنچه را می‌خواستید در آنجا دیدید و بچشم خود فرا رسیدن آنرا می‌نگرید!

### تفسیر ادبی و عرفانی

۱۳۷- قَدْ خَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنَ. آیه می‌گوید: در نگرید بندگان من و عبرت گیرید رهی گان من، پند پذیرید دوستان من، تا ببینید لطف من با دوستان و قهر من با دشمنان، که آن لطف اثر فضل ما است، و این قهر نشان عدل ما، گرفتار کنیم سزا است و عدل کنیم روا است، که خداوندی و پادشاهی حقیقی ما را است.

اثر فضل ما بود که آدم صغی را برکشیدیم و بنواختیم و بی سابقه طاعت باوی کرامتها کردیم و علم دادیم و مسجود فرشتگان کردیم و آن زلت که از وی برفت از او درگذشتیم و عذر بنهادیم. و نشان عدل ما بود که ابلیس نوמיד را از درگاه برانندیم و به آن سرفرازی که کرد و کبری که آورد، عبادت چندین هزار ساله او را بیاد دادیم و رقم کفر بر او کشیدیم. هم چنین اثر فضل ما بود که نوح را از دست دشمن و زخم آنان برهانندیم و از بهر وی کشتی ساختیم و از عذاب توفان ایمن کردیم و نشان عدل ما بود که قوم نوح را یکبارگی به آب بکشیم و بسط زمین را از پلیدی کفر بشستیم، اثر فضل ما بود که ابراهیم را به دوستی گرفتیم و پدر پیام بران و ملت اقرار دادیم و آتش را بر وی گلستان کردیم و از عدل ما بود که نمرود طاغی را از خود برانندیم و چون خواست که قربان کند دست رد به سینه اش زدیم و نپذیرفتیم و هم چنین موسی را به فضل خود هم سخن خود کردیم و هم راز خویش نمودیم و فرعون را به عدل خود تخت و تاج در ربودیم و او را با جمله قبطیان به آب بکشیم.

نیز از فضل ما بود که فرزند یتیم و صدر دولت بو طالب را مقام محمود دادیم و عرش عظیم را منزلگاه او کردیم و لقاء و رضاء و شفاعت امت را تحفه اوساختیم و از عدل ما بود که ابو جهل و جمله صنایع قریش را به اسفل سافلین فرو بردیم و نقاب عزت از چهره اسلام فروگشودیم و بسط زمین را به جمال شرع نبوی و رسالت محمدی بیاراستیم و آجاء الحق و زهق الباطل گفتیم.

جز به دست و دل محمد نیست  
در طریق رسول دست آویز  
حل و عقد خزینه اسرار  
بر بساط خدای پای آفشار

۱۳۸- هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ . آیه . خداوند می گوید: آنچه کردیم از کرامت و جود است و آنچه نمودیم از نواخت و سیاست، همه را باین سبب کردیم تا مردمان بدان عبرت گیرند و دانایان پند پذیرند و زیرکان دریابند و هوشیاران در هوشیاری بیفزایند و غافلان از غفلت باز گردند، گهی در قهر خدا نگرند گهی در لطف او نگرند فضل و عدل او را اندیشه کنند نواخت پیمبران و کرامت بدوستان را یاد کنند و چون گل پر بار بشکفند و از هلاک متمر دان و خسران طاغیان برانندیشند و چون نمک در آب بگدازند !!

۱۳۹- وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا . آیه . می گوید: هیچ اندوه مدارید و هیچ غم نخورید و خود را خوار و حقیر شمارید که برتری و مهتری شما را سزاد که عهد من دارید و بیاد من نازید!  
پیر طریقت در مناجات گفت: الهی چه غم دارد او که تو را دارد، کرا شاید او که تو را نشاید؟ آزاد آن نفس که بیاد تو یازان، و آباد آن دل که به مهر تو نازان، و شاد آن کس که با تو در پیمان است.

### تفسیر لفظی

۱۴۴- وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِن مَّاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ . نیست محمد مگر فرستاده ای از مردمان که پیش از او فرستادگان فراوان گذشتند آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، شما به پس باز برمی گردید؟ و من ینقلب علی عقبیه فلن یضر الله شیئاً و سیجزی الله الشاکرین و هر کس به رد و عقب خویش باز گردد، به هیچ چیز خدای را نگزاید و زبانی نرساند و خداوند سپاس گزاران را مزد خواهد داد.  
۱۴۵- وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّؤَجَّلًا . و نبوده و نیست هیچ نفس را که

بمیرد جز به خواست خدا و بادانش او، چون مرگ نوشته‌ای است نام زد شده در مدت معین، و مَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَيَجْزِي الشَّاكِرِينَ. هر که ثواب و نعمت این جهانی خواهد به او میدهم و هر کس ثواب و مزد آن جهانی خواهد او را از آن خواهیم داد. آری، سپاس گزاران را ثواب و مزد دهم. ۱۴۶- وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلْ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ قَمَا وَهَتُوا لِمَا آصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ. چه بسا پیغمبرانی که با سپاهیان فراوان دشمن جنگ کردند. و آنان بواسطه آنچه در راه خدا به آنها رسید سست ایمان و بددل نشدند و از دست فرو نیفتادند و خداوند شکیبایان را دوست دارد. ۱۴۷- وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ. نبود سخن ایشان جز آنکه گفتند: خدایا، گناهان ما و گزاف کاری ما را در کارها بیا مرز و گامهای ما را در راه خویش بر جای بدار و ما را بر کافران یاری ده.

۱۴۸- فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحَسُنَ ثَوَابَ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. پس خداوند ثواب این جهان و نیکوئی ثواب آن جهان را به آنان داد و خدا دوستدار نیکوکاران است. ۱۴۹- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَنُرِيكُمْ أَهْلًا لَكُمْ فَتَنقَلِبُوهَا خَاسِرِينَ. ای گروهندگان، اگر کافران را فرمان برید آنها شما را به پس بازی گردانند تا برگردید و زیان کار باشید. ۱۵۰- بَلِ اللَّهُ مُوَلِّكُمْ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ. بلکه خداوند یار و یاور شما و او بهترین یاری کننده است.

### تفسیر ادبی و عرفانی

۱۴۴- وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ. آیه. هر چند محمد ستوده و برگزیده خداوند از میان مردمان و نواخته خدای جهانیان است، قطب جهان و چراغ زمین و آسمان است، مقتدای خلق و مهتر کائنات است و خاتم پیمبران، با این همه مزایا، بشیر است و مرگ بر او روا و فنا در وی روان، چنانکه پیش از او پیمبرانی در این جهان بودند و همه رفتند، نه خدایا زیانی رسید و نه حق از همه باز ماند.

این خطاب اشارت است به اهل تحقیق که کمال عزت ما از بود و نبود بی نیاز است و از بسیاری بود پیوندی در نیاید و یگانگی و یکنائی ما را موجب می نیاید، کبریا ما عزت ما را شناسد و عزت ما احدیت ما را داند. ... اَفَلَا يَنْتَظِرُونَ مَا آتَاهُمُ الْوَعْدُ الْبَاطِلُ. آیه. این آیت دلیل به شرف محمد مصطفی است که چون از این سرای بیرون رفت و اهل تفرقت در اضطراب افتادند و دیده شان در حجاب شد. لاجرم یکی از صحابه تیغ برکشید و گفت: هر که گوید مصطفی بمرد سرش برگیرم یکی دیگر از صحابه فریاد برآورد که هر کس محمد را می پرستید، آگاه شود که محمد مرد، و هر کس خدای را می پرستد، بداند که خداوند زنده همیشه است، خدائی که همه اوست، بود خلاقان به داشت او است و نابود ایشان به حکم او، بقای عالمیان به اراده او، و قنای آدمیان به مشیت او است، باقی همیشه وزنده پابندگی او است، زندگیا آنست که او ساخت، مرگها آنست که وی نهاد، روزها آنست که او داد، نه افزود و نه کاست، این است سخن حقیقت و راست یکی را دنیا داد، یکی را عقبی داد، و یکی را مولی داد و هر یک را مراد خود بداد. دنیا دار را گفت: هر که ثواب دنیا خواهد به او میدهم، عقبی خواه را گفت: هر کس ثواب عقبی را خواهد به او میدهم، باز مولی جوینان را از هر دو جدا کرد و ایشانرا شاگردان خواند و گفت: ما جزای ایشان را خواهیم داد که جزای ایشان در اراده شان نیست

چه آنان را اراده ای نیست بلکه اراده ایشان فدای اراده حق است؛ چنانکه خداوند به موسی وحی فرستاد که اگر خواهی به مراد رسی، مراد خود را فدای مراد ازلی ما کن.

گویند: جنید، وقتی در مناجات از حق درخواستی کرد، در سیر سیر ندا آمد: ای جنید آیا میان من و تو درمی آئی؟ من خود دانم که تو را چه سازد و چه بکار آید؟ آنچه فرستم بپذیر و آنچه فرمایم بکن، پس چون بنده را خواستی و خواهشی نبود، خداوند ویرا به از آن دهد که او خواهد.

۱۴۸- فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا. آیه. در ثواب دنیا (حُسن) نگفت ولی در ثواب آخرت (حُسن ثواب) فرمود، از بهر آنکه ثواب آخرت پاینده است و ثواب دنیا گذرنده، آن بودنی است بردوام و بی آفت و بی فتنه و این بریندی است بزودی هم با آفت و هم با محنت!

.... وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ. این محسنان همان شاگردانند که در آیت آمد و جزائی که در آنجا اشارت کرد محبت است که اینجایان فرمود و احسان صفت مراقبان و حال واجدان و مقام راضیان و نشان دوستان است. دوستی خدای شعارشان و یاد خدا آثارشان و مهر خدا ایشانرا نثار است، نثاری که گوئی روی بجان نگار است و درخت شادی از وی بیار است و جانرا خوش بهار است.

آلا ای خوش نسیم نو بهاری      تو بوی زلف آن بت روی داری

### ❁ تفسیر لفظی ❁

۱۵۱- سَنَلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَهُمْ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ. آری ما در دلهای کافران بیم و ترس می افکنیم، به سبب آنکه برای خداوند شریک گرفتند، چیزی که از آسمان برای آن دلیل و حجتی نفرستاده است و البته بازگشت گاه این چنین کسان آتش است و ستم کاران را بد جای گاهی است.

۱۵۲- وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِآذِنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَّعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحْيُونَ. خداوند وعده خود را با شما راست کرد آن وقتی که به اذن و اجازه خداوند، شما در پی دشمنان می گشتید و آنها را می کشتید تا آنکه یاد دل شدید و ترسیدید و با هم در این کار بتلای مخالفت نهادید و نسبت به رسول خدا نافرمانی کردید و سرکشیدید، پس از آنکه آنچه را دوست می داشتید (از پیروزی و غنائم) بشما (در جنگ احد) نموده بود امنتکم من یرید الدنیا و منکم من یرید الآخرة. ثم صرَفْتُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَسَى الْمُؤْمِنِينَ. بعضی از شما این جهان را خواستار است و بعضی دیگر آن جهان را می خواهد و خداوند شمارا از کافران برگردانید تا شماها را در آن محنت که افتادید و از آنچه کردید (خالی کردن سنگر برای غنیمت) بیازماید و خدا با مؤمنان صاحب فضل و گلشن است.

۱۵۳- إِذْ تَضَعُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَائِكُمْ فَأَتَابَكُمُ غَمًّا يَغِيظُ لِكَيْلًا تَحْزَنُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا آصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ. آن وقتی که بالا می رفتید و نگاه به کسی نمی کردید و پیغمبر در پی شما شمارا می خواند (که باز گردید بجای خود) سپس پاداش این نافرمانی را که کردید و دنبال غنیمت رفتید غمی در غمی پیوسته بود که خداوند بشما داد، تا مگر باز اندوهگین نشوید از آنچه از مال دنیا به شما

نرسید و از آن رنجها که بشما رسید، که خداوند از آنچه شما می‌کنید آگاه است.

۱۵۴- ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِّنكُمْ وَطَائِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ پس از آن غم و اندوه، خداوند برای شما ایمنی از دشمن فراهم ساخت و خواب و آرامشی که گروهی از شما را در ربود و گروه دیگر که گمان بد به خدا می‌بردند، گمان ناسزا و گمان کافر دارا بَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنْ إِلَّا مَرَ كَلَهُ اللَّهُ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِمْ مَا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كُنَّا لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قَاتَلْنَا هَهُنَا (در خویشتن می‌اندیشیدند) و با خود می‌گفتند آیا ما را در کارها اختیاری هست؟ بگو ای پیغمبر، همه کارها خدا راست و آنان در دلهای خود چیزی را پنهان می‌داشتند آن چنان چیزی که برای تو آشکار نمی‌ساختند او می‌گفتند: اگر ما را از کار چیزی بودی و ما دخالتی داشتیم در آنجا خود را به کشتن نمی‌دادیم. قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بَيْوتِكُمْ لَبرَزَ الَّذِيْنَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ. بایشان بگو اگر در خانه‌های خود بودید، آنانکه مرگ برایشان نوشته شده از خانه‌ها و خوابگاه‌ها بیرون می‌آمدند تا خداوند آنچه در دل آنهاست بیازماید و تا دلها را از شبهت پاک کند، و خداوند به آنچه در دلهای شماست آگاه است.

۱۵۵- إِنْ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنْ اللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ. کسانیکه روز احد که دو گروه بهم گرد آمدند، فرار کردند و هزیمت نمودند و شانه از زیر بار جنگ خالی کرده و تن به ننگ دادند، از آن سبب بود که شیطان آنان را گمراه کرده و از جای برده بود بواسطه بعضی کارها که از پیش کرده بودند و خداوند اینها را بخشید چون خدا آمرزگار و بردبار است.

### ❁ تفسیر ادبی و عرفانی ❁

۱۵۱- سَنَلِّقُنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ. آیه. خداوند جلیل جنبار، کردگار نام‌دار، بنده‌نوازی که از کارهای آنان آگاه و آنانرا پشت و پناه، خود دارنده و خود سازنده، خود پادشاه و همه جهان‌آورا سپاه، سپاهش نه چون سپاه حلقان که اسب و سلاح باید و آلت و زینت شاید، فریب و حیلت باید. سپاه حق بی‌نیاز از همه آنها، کمر بسته بر درگاه عزت، تا خود چه آید از فرمان و حکمت، سپاه او اینک پشه‌ای است که از اوضاع غیرت‌تر، بر نمرود که از اوقوی ترند! و لشکر ابابیل، بر اصحاب فیل! اینها هستند سپاه بی‌حیلت و فریب خداوند. سپاه دیگر خداوند، رعب است که در دل دشمن اندازد چنانکه در جنگ بدر و احد انداخت!

داستان ابو جهل و محمد و جوان ثقفی: یکی دیگر از آثار رعب و هیبت بردل کافران، و فرغ دردل بیگانگان داستان ابو جهل است که پس از بعثت محمد، جوانی از قبیله بنی ثقیف آواز ظهور پیغمبری بنام محمد شنید، با ده شتر برخاست و روانه مکه شد، در آنجا گروهی از بزرگان قریش را دید پرسید محمد کجاست؟ ابو جهل گفت: جوان این چه سخن است که می‌گویی محمد کیست؟ و که باشد؟ جوان گفت شبی نشسته بودم ناگاه از هوا ندائی شنیدم بدین صفت! ابو جهل گفت این آواز شیطان بوده که تو را افسون کرده، جوان گفت: روی آن کس را به من بنمائید تا ببینم! گفت تو را روی دیدن بکار نیست که او مردی جادوگر است و تو را فریب دهد! جوان گفت: مگر شما را با او خوشوتی است که دیگر کس از شما نیز همین را گفت؟ ابو لهب عم محمد هم همان گفت، جوان سراسیمه و حیران گفت: آه نمی‌دانم پس شتران من را

که خواهد خرید؟ ابو جهل گفت: من خریدارم به دو بیست و ده دینار و ده دینار علاوه برای آنست که نزد محمد نروی و گوش به سخنان او ندهی! جوان ثقی را شبهتی و تهمتی در دل افتاد، شتران را بگذاشت و سوی کعبه رفت محمد مصطفی را دید در رکوع نماز است چون نوروی او را دید گفت: این چهره به ساحر نمی ماند و این مردی راست گو بنظر میرسد او محمد هم چنان در نماز بود - جوان ثقی در پی شتران خویش باز گشت و ابو جهل را گفت: ای اباالحکم یا بهای شتران ده یا آنان را رد کن، ابو جهل گفت هیات، مالی از تو نزد من نیست ثقی گفت: بخدا سوگند تو در باره محمد دروغ گفتی او نه ساحر است نه دروغگو ابو جهل گفت: قسم به لات و عزری که هیچ چیز بتو نخواهم داد! ثقی گریان و دلنگنگ براه نمائی کسی نزد محمد رفت و از هیبت او لرزه بر اندامش افتاد! پیغمبر گفت: ای جوان نترس من پیغمبر رحمتم و آن صدا که از آسمان شنیدی جبرئیل بود که بمردم ندا داد و گفت: ای مردم چه نشسته اید که پیغمبری از میان شما ظهور کرده؟ ثقی را آرامشی روی داد و او شهادت ادا کرد و اسلام آورد، آنگاه محمد با او به در سرای ابو جهل رفتند و محمد سه بار او را خواند و جواب نمی داد با رسوم از غره پائین آمد و گفت لبیک یا محمد در حالیکه روی او بگشته و عقل او زایل شده و زبان سست گشته و همه اندام لرزه افتاده! محمد گفت: حق این مرد را به تمامی بگذار، ابو جهل اطاعت کرد و تمام بهارا به زر داد و گفت یا محمد هیچ حاجت دیگر داری؟ حضرت فرمود: بلی که بگوئی لا اله الا الله - ابو جهل گفت: حاضر م تمام مال و فرزندانم در اختیار شما بگذارم ولی طاقت گفتن این کلمه را ندارم. و لیدین مغیره عموی ابو جهل نزد او رفت و پرسید تو را چه شد و چه هیبت از محمد در دل تو افتاد که چنین رفتار کردی؟ گفت: عموی من، سخن مرا گوش کن اگر درست است مرا معذور دار! وقتی محمد رو به سرای من آمد و مرا ابو جهل خواند سنگی بزرگ برداشتم که به فرقیش کوبم و خلق را از وی باز رهام چون این همت کردم دست من با سنگ در گردنم بماند و خشک شد! گفتم اگر آنچه محمد می گوید راست است دستم گشاده شود که ناگهان دستم گشاده و سنگ از دستم بیفتد، سه مرتبه این عزم را تکرار کردم هر سه بار همان حال تکرار شد! بار سوم که مرا ابو جهل خواند و من سنگ را برگزفتم ناگهان صورت شیری خشم آلود در نظرم مجسم شد که نیشها بهم زد و مرا فریاد کرد که محمد را اطاعت کن! این بود که من اطاعت کردم! و شنوندگان و حاضران سخن او را پذیرفتند! |

۱۵۲ - مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا . آیه . ارزش هر کسی اراده او است و خواست هر کسی رهبر اوست، یکی دنیا خواست یکی عقبی و یکی مولی، خواست دنیا همه فریب است و غرور، خواست عقبی همه شغل است و کار مزدور، و خواست مولی همه سوراقت و سرور. اگر طالب دنیا خسته پندار و غرور است، و اگر طالب عقبی در بند حور و قصور است، طالب مولی در بحر فردانیت غرقه نور است.

ذوالنون مصری گفت: خداوند! اگر از دنیا مرانصیبی است به بیگانگان دادم و اگر در آخرت مرا ذخیره ایست به مؤمنان دادم. در دنیا مرا یاد تو بس، و در عقبی مرا دیدار تو بس! دنیا و عقبی دو متاعند بهائی، و دیدار تو نقدی است عطائی.

پیر طریقت گفت: قومی بینیم به این جهان از او مشغول، قومی به آن جهان از او مشغول، قومی از هر دو جهان به وی مشغول! گوش فرا داشته تا نسیم سعادت از جانب قربت کی دمک؟ و آفتاب وصلت از برج عنایت کی تابند؟ به زبان بی خودی و بحکم آرزومندی می زارند و می گویند: کریم! مشتاق تویی تو زندگانی چون گذارد؟ و آرزومند به تو از دست دوستی تو یک کنار خون دارد او بزبان حال گویند:

بی تو ای آرام جانم زندگانی چون کنم؟ چون نباشی در کنارم شادمانی چون کنم؟

### تفسیر لفظی ﴿﴾

۱۵۶- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَمَآئِمًا تُوُوا وَمَا قُتِلُوا . ای کسانی که ایمان آوردید مانند کافران مباشید که به برادرانشان که به سفر می‌رفتند (در سفر تجارت می‌مردند و یا به جنگ می‌رفتند و تشنه می‌شدند) می‌گفتند: اگر آنها نزد ما بودندی در سفر می‌مردندی و در جنگ کشته نشدندی ای بجزعَلِ اللَّهُ ذَالِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحْسِبُ وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ . این گونه گمان بردند تا خداوند آن سفر و یا جنگ را حسرت و بغی در دل کسان آن مردگان یا کشتگان بگذارد ، چون خداوند است که زنده می‌کند و می‌میراند و به آنچه شما می‌کنید بینا است .

۱۵۷- وَلَكِنْ قَاتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ لِمَغْفِرَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةً خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ .

اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید آمرزشی و رحمتی که از خداوند بشما رسد بهتر است از آنچه آنان گرد کنند ا

۱۵۸- وَلَكِنْ مَتُّمُ أَوْ قَاتِلْتُمْ لَاللَّهِ تَحْشَرُونَ . اگر بمیرید یا کشته شوید بسوی خدا حشر خواهید

داشت . و شما را با خدای می‌انگیزانند .

۱۵۹- فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِن حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ . پس به سبب رحمت و بخشایش از سوی خداوند ، چنان نرم خویی با آنها داشتی که اگر درشت خو و ستم‌زاد بودی از گرد تو پراکنده شدند (و حلقه صحبت شکسته شدی) پس آنانرا به بخش و از ایشان فراگذار و به ایشان آمرزش خواه و در کاری که پیش آید با آنها بازگو و مشورت کن و هر وقت عزم کردی و به آهنگ کار برخاستی کار را بخدا و اگذار و پشت گرمی به وی داشته باش که خداوند، کار به وی سپارندگان و پشت به او باز کنندگانا دوست دارد . یکی از صحابه رسول خدا گوید : ما در جنگ بدر بایک دگر مشورت کردیم پیروز شدیم و در جنگ احد مشورت نکردیم مغلوب گشتیم ا

### تفسیر ادبی و عرفانی ﴿﴾

۱۵۶- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا . آیه ، این آیت هم نواخت است هم سیاست ، هم کرامت هم اهانت ، مؤمنان را کرامت است و کافران را اهانت ، دوستانرا نوازش است و دشمنانرا سیاست ، می‌گوید : ای شما که ایمان دارید و فرمان ما را گردن نهادید و دوستی ما را به دل و جان خواستید ، مانند کافران مباشید و خوی ایشان نگیرید و راه آنان نروید ، ایشان بیگانگانند و شما آشنایان ، ایشان راندگانند و شما خوانندگان ، ایشان حزب شیطانند و شیطان را مهان ، و سرانجام حزب شیطان خسران است ، شیطان ایشانرا می‌خواند که به آتش کشد و بکام خود کند و شما مؤمنان ، حزب خدائید و خدا را مهان و سرانجام در فردوس جاویدان . خداوند شما را به دعوت می‌خواند تا به مغفرت و رحمت بنوازد و شما را این دو ، به از هر چه در دوجهان است . و این بس عجب نیست که مؤمنان را به فضل خود بمغفرت خود رساند ، بلکه بس عجب آنست که دوستان را به لطف خود به حضرت احدیت خود برسد این است که فرمود : اگر مردید یا کشته شدید بسا خدا محشور خواهید بود و زبان حال چنین کسان این است :

دعا کنم که وصالت خجسته باد مرا

کنون که با تو بهم صحبت افتاد مرا

۱۵۹- فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ . آیه . ای مهتر کاینات ، ای کریم مهربان ، ای رحیم بر همه گان ، همه را به راه راست رهنمون هستی و به راه صواب میرانی و برخوان عزت می خوانی و به سعادت جاودانه میرسانی ، یتیمان را چون پدری و بیوه زنان را چون شوهری ، آشنا را نوازنده ای ، و بیگانه را راه نماینده ای ، جهانیان را عین رحمتی و بندگان را سبب کرامتی ، ای سید سادات این همه هست ، بنگر تا خود را نه بینی ، و از کارهای خود ندانی ، کآن همه ما ایم ، و ما نواختیم و ما ساختیم و تو را بران داشتیم و به خوش خوئی بداشتیم . ای مهتر با مؤمنان و دوستان هم چنین می باش ، هم باین مهربانی و هم باین خوش خوئی . اما با کافران لختی درشت تر شو و با ایشان جهاد کن .

لطیفه : بسا فرق است میان حبیب و کلیم . حبیب را با کافران به درشتی فرمان داد و از مدهانت باز خواند که درخوی وی همه رفق و مدارا و نرمی بود و کلیم را به ضد آن امر فرمود که بر نزد فرعون و او را با سخن نرم دعوت به حق کن ، چرا که در او همه حدت و غلظت بود

... وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ . آیه . ای سید ، اگر تو یاران را شراب توحید صرف بی آمیغ حظّ و لذت دهی از تو بگریزند و گرد تو نگردند ، که حوصله ایشان بر نتابد آنچه حوصله تو بر تابد کسی که شام و چاشتش با احدیت بود ، دیگران را با وی چه برابری بود .

مصطفی خلق نیک و ادب دین را به خالق نیک آموخت و گفت : با هر کس بقدر عقل وی سخن گوئید و آنچه بر متابد بر او منبید .

هر کسی را جام او بر جان او همسان کنید هر کسی را نقل او با عقل او هم بر نهید  
... فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ . آیه . ای سید تقصیری که در حق تو بود کار تو کرده اند عفو کن و برای آنان آمرزش بخواه . عفو آنان اشاره به جمع است چون بعنوان حکم است و حاکم مطلق خدا است ولی استغفار اشاره به تفرقه است که در مقام تذلل و عبودیت است ، و این است سنت خداوند با پیامبران و خاصان که ایشان را گاه در جمع دارد و گاه در تفرقت ، که جمع بی تفرقت کفر است و تفرقت بی جمع شرک ، جمع عین حقیقت است و تفرقت راه عبودیت ، آن کس که این خصالت در وی جمع شد بر طریقت و شریعت مستقیم گشته است .

... وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِنَّ عَزْمَ مَن تَوَكَّلَ عَلَيَّ اللَّهُ . آیه . حالات روندگان در این راه یکسان نیست ، یکی مقصر است او را عفو کن ، یکی توبه کار است و پشیمان ، از بی روی آمرزش خواه ، یکی رام و مطیع است با او مشورت کن و در مقام عزم بخدا توکل کن و عزم را سه مرحله است : یکی عزم توبه ، دیگری عزم خدمت و سوی عزم حقیقت و بناء هر سه عزم بر توکل است و اصل توکل بقین است و شرط توکل ایمان است و ثمره توکل دوستی حق تعالی است که خداوند توکل کنندگان را دوست دارد .

عارف بزرگوار ابوعلی دقاق گوید : توکل را سه رتبت است : اول توکل مطلق دوم تسلیم سوم تفویض ، توکل بدایت است و تسلیم وساطت است و تفویض نهایت ، توکل صفت همه پیامبران است بطور عموم و تسلیم صفت خاص ابراهیم است و تفویض صفت خاص المصطفی است صاحب توکل گوش بر وعده حق دارد ، صاحب تسلیم با علم حق آرام دارد ، و صاحب تفویض به حکم خداوند رضا دهد . آنکه با توکل است طالب عطا ، آنکه با تسلیم است منتظر لقاء ، و آنکه با تفویض است در مجمع روح و ریحان آسوده رضا است .

سهیل تستری (عارف بزرگوار) گفت : توکل حال رسیدن به خدا و کسب سنت او است ، هر که بر کسب طعن کرد

برسنت طعن کرده و هر که برسنت طعن کرد بر تو کتل طعن کرده و هر که بر تو کتل طعن کند بر ایمان طعن کرده است .  
 پیغمبر فرمود : توانا ترین کس او است که بخدا تو کتل کند ، سعادت مند تر کسی است که تقوی (برهیز کاری) پیشه  
 کند و غنی ترین کسی است که روزی خدائی را استوارتر از دارائی خود بداند .

### تفسیر لفظی ﴿﴾

۱۶۰- اِنْ يَنْصُرْكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَاِنْ يَخُذْ لَكُمْ فَنَزَّ الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ . اگر خداوند شما را یاری دهد هیچ کس بر شما پیروز نمیشود و اگر فروگذارند و خوار گردانند ، پس کیست بعد از شکست شما را یاری دهد ؟ و باید مؤمنان کار خود را بخدا واگذارند .

۱۶۱- وَمَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَعْلَمَ مَنْ يَغْلِبُ وَمَنْ يَغْلِبُ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ . هرگز روان بود که پیغمبر غیل و خیانت کند و هر کس به چیزی خیانت کند روز رستاخیز آن چیز را با خود وبال آورد ، پس از آن هر کسی سزای کار خود را می یابد و بهترین پاداش کار او را دهند .

۱۶۲- أَفَمَنْ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَا وَبَهُ جَهَنَّمَ وَيُتَسَّسُ الْمَصِيرُ . آیا کسی که در پی خشنودی خدا رود مانند کسی است که به خشم خدا گرفتار شده و بازگشت گاه او دوزخ است ؟ که بد بازگشتی است ؟

۱۶۳- هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ . این دو گروه را درجه و مرتبه ها است نزد خداوند ، و خداوند بآنچه آنها می کنند آگاه است .

۱۶۴- لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ . خداوند بر مؤمنان منت نهاد که پیمبری از میان خودشان برانگیخت که به ایشان آیات خداوند را می خواند و آنان را پاک و منزه می گرداند و کتاب خدا و حکمت به آنان می آموزد ، در حالیکه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند !

۱۶۵- وَلَمَّا صَابَتْكُمْ مِصْبِيهٌ قَدَّاهُمْ مِثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنْتَ هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . آیا وقتی که (در جنگ احد) بشما مصیبتی رسید در حالیکه (در جنگ بدر) دور بر آن به دشمن رسیده بود ا شما می رسید : که مصیبت از کجا بما رسید ؟ بگو : ای پیغمبر ، از نزد خود شما است ( و نتیجه تحلف از فرمان به طمع غنیمت است ) زیرا خداوند هر کاری و هر چیزی توانا است .

۱۶۶- وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّقِي الْجَمْعَانِ فَبِأَذْنِ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ . و آنچه بشما رسید (در جنگ احد) روزی که دو گروه بهم رسیدند ، البته به خواست خداوند بود ( که سزای عمل شما را داد ) و برای آنکه مؤمنان به بینند و بدانند .

۱۶۷- وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوِ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَا تَبْعَنَا كُمْ . و تا منافقان به بینند و بدانند که به آنها گفتند : بیایید در راه خدا جنگ کنید یا از مؤمنان دفاع کنید گفتند : اگر ما جنگ را می دانستیم شما را پیروی می کردیم ا هم . لکن کفیر یومئذ اقرب منهم لسلامان یقولون یا فواهیهم ما لیس فی قلوبهم و الله اعلم بما یکتُمون . آنان که این سخن گفتند آن روز به کفر نزدیک تر

بودند تا به ایمان آنان به زبان چیزی می گویند که در دلهایشان نیست و خداوند به آنچه پنهان می دارند دانا است !  
 ۱۶۸- الَّذِينَ قَالُوا لِأَخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قَاتَلْنَا قُلُوبًا فَادْرُؤْا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ  
 إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ . کسانی که در خانه نشستند و گفتند اگر شهیدان (أُحُد) از ما پیروی کرده بودند کشته نمی شدند ،  
 با آنها بگو ، ای محمد ، پس باز دارید مرگ را از خودتان اگر می توانید و اگر راست می گوئید ؟

### تفسیر ادبی و عرفانی

۱۶۰- إِنَّ يَنْصُرُكُمْ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ . آیه . هر که را رقم نصرت از درگاه عزت بر ناصیه روزگار او کشیدند ، یگانه عالم گشت و قطب مرکز سیادت و قبله آمال خداوندان حیرت !  
 ... وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ . آیه . و هر که را صفت خذلان از درگاه بی نیازی روی کند ، بحکم قهر ، پرده تجمل از روی کار او بردارند و رقم مهجوری بر حاشیه وقت او نهند و مردود همه عالم گردانند تا مهجور و درمانده گردد و با خود چنین نوحه کند :

گفتم که بر از اوج برین شد بختم  
 اکنون که به میزان خرد بر سختم  
 وز ملک نهاده چون سلیمان تختم  
 از بنگه دونیان کم آمد رختم

به داود وحی آمد: ای داود، اگر من تورا پست کردم چه کسی تورا بلند میکند؟ و اگر تورا بلند کردم چه کسی تورا پست میکند؟ . اگر تورا عزیز شمردم چه کسی تورا ذلیل میکند؟ و اگر تورا ذلیل کردم چه کسی تورا عزیز می کند؟  
 اگر من تورا یاری کردم چه کسی تورا مخدول می کند؟ و اگر تورا مخدول کردم چه کسی تورا یاری میکند؟- داود گفت:  
 امر و حکم همه با تو است و به اراده تو!

لطیفه: سخن از یاری و نصرت میرود و البته منظور یاری در برابر دشمن است پس باید دانست که بزرگترین دشمن آدمی نفس او است که میان دو پهلوی او است و چون نفس قوی ترین دشمن است پس پیکار با او هم دشوار تر است .  
 پیر طریقت را اتفاق افتاد که بر خر مابنی شد ، سیخی به شکمش در شد که تابسینه بردید ! بخویشتن نگر بست  
 و گفت : حمیه خدا را که نمودم تا تورا به کلام خویش دیدم و بر تو نصرت یافتم !  
 رحمت خدای بر آن جوان مردان باد که هر مجاهدت بر میان بستند و در میدان بندگی در صفت خدمت بیستادند  
 و قدم بر کُلِّ مراد خود نهادند و با خلق خدا به صلح و سازش ساختند و با نفس خود به جنگ برخاستند ؟ و به زبان  
 حال گفتند :

با خود ز پی تو جنگها دارم من  
 در عشق تو از ملامت بی خبران  
 صد گونه ز عشق رنگها دارم من  
 بر جان و جگر خد رنگها دارم من

جهاد اکبر: مصطفی جهاد با نفس را جهاد بزرگتر و سخت تر ، از آن جهت خوانند که جنگ با کافر گاه بُود و گاه  
 بُود ولی جنگ با نفس پیوسته بُود ، و از سلاح کافر می توان بر حذر بود که ظاهر و پیدا است ، ولی سلاح نفس ، و سوسه ها  
 و شهوت های نهانی است که از آن ایمن شدن دشوار است ، نیز در جنگ با کافر اگر مؤمن کشته شود شهید باشد و مشمول  
 رضوان حق ، ولی در جنگ با نفس اگر آدمی مغلوب گردد ، در آتش دوزخ گرفتار هوی و هوس خود خواهد شد ، که آن  
 صفت نیک بختان و این حالت تیره بختان است .

## تفسیر لفظی

- ۱۶۹- وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ .  
البته مبنی‌دار که آنان که در راه حق کشته شدند ، مرده اند ، بلکه نزد خدای خویش زنده و روزی داده میشوند .
- ۱۷۰- فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلِدْهُمْ بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ .  
آلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ . آن شهیدان شادند به آنچه خداوند از فضل خود به آنها داده و شادی می‌برند بکسان ایشان که هنوز زنده‌اند از بعد از ایشان ، که برایشان ترسی نیست و برای ایشان اندوهگین نباشند .
- ۱۷۱- يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ . شادی می‌برند به نواخت و فزونی از خداوند و اینکه او مزد گروندگان را ضایع نگذارد .
- ۱۷۲- الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ .  
وَاتَّقُوا أَجْرَ عَظِيمٍ . کسانی که خدا و رسول را (در دعوت بدر کوچک) پاسخ نیکو دادند با آنکه به آنها زخم و خستگی (در جنگ احد) رسیده بود برای این کسان که اطاعت رسول خدا کردند و برهیز کار شدند ، نزد خداوند مزدی بزرگ است .
- ۱۷۳- الَّذِينَ قَالُوا لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ .  
کسانی که مردم بایشان گفتند سپاهی از مردم گرداگرد شما هستند و شما از آنها بترسید ، در عوض ترس ، ایمانشان زیاد تر شد و همگی گفتند خدای ما را بسنده است و نیک کار دان و کار پذیر است (۱) .
- ۱۷۴- فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ .  
پس باز گشتند به نعمت و نیکوئی از سوی خداوند و زیادتی افزون از تجارت که بدون هیچ بدی دارا شدند و بر پی راه خوشنودی خداوند افتادند و خدا با فضل و بزرگواری است .
- ۱۷۵- إِنَّمَا ذَلِكَمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا اللَّهَ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ .  
همانا این دیو مردم بود که خودهاشان را می‌ترسانید و شما از آنها بترسید و از من ترس داشته باشید اگر گرویده‌اید .
- ۱۷۶- وَلَا يَحْزَنُكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِطًّا فِي الْأَخِرَةِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ .  
مبادا کسانی که در کفر می‌شتابند تورا اندوهگین کنند ، آنان زبانی به خداوند نرسانند و خدای خواسته که آنها بهره‌ای از آخرت نداشته باشند و در عذاب بزرگ گرفتار شوند .
- ۱۷۷- إِنَّ الَّذِينَ اسْتَرَوْا الْكُفْرَ بِأَيِّمَانٍ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ .  
کسانی که کفر را بجای ایمان خریدند زبانی به خداوند نخواهند داشت بلکه خود دوچار عذاب دردناک خواهند بود .
- ۱۷۸- وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرًا لَّا نَفْسُهُمْ إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ .  
ای بی‌عمرگان مبر این که ما فرامی‌گذاریم کافران را و به آنان مهلت می‌دهیم برای ایشان

(۱) حضرت رضا (ع) به نقل پدر از پدر تا حضرت علی (ع) روایت کند که آن حضرت روزی خطبه خوانده و شنودگان را ترغیب بر جهاد فرموده کسی پرسید : فضیلت جهاد و جنگ در راه حق چیست ؟ گفت : در یکی از غزوه‌ها بر شتری با رسول خدا سوار بودیم فرمود : همی‌که بنده‌ای عازم جهاد شود خداوند برائت او را از آتش می‌نویسد و چون آماده جنگ شود به فرشته فخر فرودد و چون با خویشان وداع کند گناهانش آرزیده شود .

خوب است | - نه - همانا ما به آنها مهلت می دهیم تا بیشتر مرتکب گناه شوند و گرفتار عذابِ خوار کننده و نومیدانه باشند |

### تفسیر ادبی و عرفانی

۱۶۹- وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قَاتَلُوا آيَةَ . خدایا، زندگی ما با یاد تو است ، و شادی همه با یافت تو است ،

و جان آنست که در شناخت تو است |

پیر طریقت گفت : زندگان سه کس اند : یکی زنده به جان ، دیگری زنده به علم ، و سومی زنده به حق | او که به جان زنده است ، به قوت زنده است و به باد | او که به علم زنده است ، زنده به مهر است و به یاد | آنکه به حق زنده است ، زندگانی خود بدو شاد | خدایا ، جان در تن اگر از تو محروم ماند ، مرده زندانی است ، و کسیکه در راه تو به امید وصال تو کشته شود زنده جاویدانی است .

گفتمی مگذر به کوی ما در مخمور      تا کشته نشی که خصم ما هست غیور  
گویم سخنی بُنا که باشم معذور      در کوی تو کشته به، که از روی تو دور

آری ، دوستان را زخم خوردن در کوی اوست به فال نیکو است و در قمارخانه عشق ایشانرا جان باختن عبادت

و نحو است |

مال و زر و چیز را بیگان باید باخت      چون کار بجان رسید جان باید باخت |

هان و هان ، نگر ، تا از هلاک جان در راه دوست اندیشی | که هلاک جان در وفای دوست ، حقا که شرف است و شرط جان در قیام به حق دوستی ، تلف است .

شهبلی گفت : باختن جان در راه دوستی ، دولتی را بیگان است ، که دوست او را بجای جان است ، اگر صد هزار جان فدای این وصل کنی حقا که هنوز را بیگان است .

چون شاد نباشم که خریدم به تنی      وصلی که هزار جان شیرین ارزد

در حقیقت ، هیچ عاشقی مانند منصور حلاج در این راه بر پا نمانست ، چه او به هوای وصل دوست بازماند | به هوای تفرید پرید ، خواست تا شکار کند دستش نرسید ، ندا رسید اگر خواهی که دستت رسد سر زیر پای نه | حلاج سر را زیر پای نهاد و به هفت آسمان برگشت |

گر از میدان شهوانی سوی ایوان عقل آئی

چو کیوان در زمان ، خود را به هفتم آسمان بینی

وز امروز اندرین منزل تو را حالی زنیانی بُد

زهی سرما به و سودا که فردا زین زبان بینی !

نیک بنگر ، تا چنین جوان مردان و جان بازان کزین سرای رحیل کنند ، تو ایشان را مرده نگویی ، که گوهر زندگانی جز دل ایشانرا معدن نیامد ، و آب حیات جز از چشمه جان آنان روان نگشت | اینان چنانند که :

که ناز چشیدند و گمهی را ز شنیدند      گاهی ز جلالت به جمالش نگریدند

معروف کرخی مرده ای را می شست ، مرده بخندید | معزوف گفت : آه ، از مردگی زندگی اوی جواب داد ، دوستان حق نمیرند بلکه از سرائی به سرائی می شوند ، چگونه میرند | که خداوند در قرآن گوید : آنان زنده اند و نزد

خداوند ، روزی دارند |



به پذیرفتاری آبرو بخورد! قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالذِّكْرِ قُلْتُمْ قُلْتُمْ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. با آنها بگو که فرستادگانی از نزد من با بیگامها و نشانیها بشما آمدند و به آنچه شما گفته تید (قربان پذیرفتنی آوردند) پس چرا آنها را کشتید اگر راست می گوئید؟

۱۸۴. فَإِنَّ كَذَّبَ بِكُفْرًا كَذَّبَتْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ سَأَلُوا رَبَّهُمْ أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اگر چه خودان تو را دروغ زن گیرند، آنان پیش از تو پیمبران را دروغ زن گرفتند! با آنکه پیغامهای روشن آوردند و نامه ها و کتاب فروزان و روشنی بخش آوردند!

### تفسیر ادبی و عرفانی

۱۷۹. مَا كَانَ اللَّهُ لِيُذِيعَ الْمُؤْمِنِينَ. آیه. این کارچنین مبهم نگذارند و این قصه سر بسته. روزی برگشایند و این دامن فراهم کرده آخر بیفشانند و هر کس را به ماوی و منزل خویش باز گردانند. یکی در حزب شیطان کشته حرمان و اندوه جاودان! یکی نواخته رحمان در زمره دوستان، به مهر ازل شادان.

... وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ. آیه. خداوند شما را از غیب آگاه نمی کند و تا نه پنداری که آنچه دیده تو به آن نرسد دیده پیمبران نیز نرسد! نمی دانی که خداوند از میان پیمبران هر کس بخواد برمی گزیند و می گویند: به خدا و فرستاده او ایمان آورید و بدانید که خداوند غیب دان است و نهان بین، فرو فرستگان خود را که بر پیمبران خود به وحی پاک فرستد بر غیب همی دارد و پوشیده می نماید و چون غیب را بر آنها نماید چندان نماید که خود خواهد نه چندان که بنده خواهد، خدای داند که بنده چه برتابد و ویرا چه شاید؟ و دانستن چیست که او را به کار آید؟ مدبر کار بنده گان اوست، کار ساز و کار دان و نگهبان اوست!

۱۸۰. وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ. آیه. بخل به زبان علم و مقتضای شرع، منع واجب است، و واجب از مال اندکی است از فراوان، که درویش را اندک دهد و خود را فراوان بگذارد، باز به زبان اهل طریقت و اهل اشارت، بخل آنست که ذره ای از مال یا نفسی از حال برای خود گذارد، چه مال و حال در راه این جوان مردان صورت سنگ دارد و عشق خدائی در عالم خود صورت فرشته دارد که پیغمبر فرمود: فرشته با سنگ نساژد و در خانه ای که سنگ باشد فرشته فرود نیاید.

کی در آید فرشته تا کنی  
پرده بردار تا فرود آرد  
سنگ ز در دوزخ صورت از دیوار  
هو دج کبریا به صفتی بار.

۱۸۱. لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ... آیه. کریما، خداوند شنوا، که در شنوائی بی همتا، شنونده آوازه ها، و رسنده به شنوائی خود به رازها، و پاسخ کننده نیازها، که به موسی و هارون هم گفت: نزد فرعون بروید که من آنچه میان شما گذرد همه را می شنوم و می بینم!

... قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ. آیه. این سخن شبه شکوی دارد که با دوست میراند که دشمن چه میگوید تا دوست بنازد و باشد که دشمن از آن باز گردد و عجب آنکه نعمت همچنان به دشمن میرساند و با آن ناسرا که می شنود نعمت و انستاند! و از روی اشارت گوید: شما بنده گان از دشمنان خویش در گذرید و تا توانید عفو کنید و نعمت و مدارات خود را از دوست و دشمن باز مگیرید و خوی نیکو با دوست و دشمن و آشنا و بیگانه، کار فرمائید.

### تفسیر لفظی

۱۸۵- كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ الْجُبُورَ كُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُجِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ. هر تری چشیده مرگ است و مرزدهای شما به تمامی شما در روز ستاخیز خواهد رسید و هر کرا که از دوزخ دور و به بهشت در آرند، پیروز آمده و رسته است، چه زندگی این جهانی جز بر خورداری به فریب چیز دیگر نیست!

۱۸۶- لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ آتَوْا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا وَإِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِّنْ عِزِّ الْمُرِءِ. هر آینه شما آزموده خواهید شد در مالهایتان و در تنهایتان، و از کسانی که پیش از شما کتاب (تورات) داشتند و از کسانی که برای خدا انباز گرفتند آزار و اذیتهای فراوان خواهید شنید، و شما اگر شکیبائی و پرهیزکاری پیشه کنید این از استواریهای دین و درستی نشانهای او است.

۱۸۷- وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ آتَوْا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَأَشْرَوْا بِهِ تَمَتُّعًا قَلِيلًا فَبِيئْسَ مَا يَشْتَرُونَ. هنگامیکه خداوند از جهودان دارنده تورات عهد گرفت که راجع به محمد آنچه در کتاب است برای مردم بیان کنید و کتمان ننمائید، لیکن آنان پس پشت انداختند و با فروختن پیمان خداوند، بهای اندک خریدند و چه بد چیزی که خریدند! (۱)

۱۸۸- لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْغُزُونَ بِمَا آتَوْا وَيُحِبُّونَ أَن يَحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ. گمان مبر، آنها که به آنچه کردند شاد شدند و دوست دارند که مردم آنانرا بستانند به کارهایی که نکرده اند (نجات یابند!) و هرگز مپندار که آنان اهل رستنی از عذابند! بلکه ایشان را غذایی دردناک خواهد بود.

۱۸۹- وَ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. و خدا را است پادشاهی آسمانها و زمین و او است که بر هر چیزی توانا است.

### تفسیر ادبی و عرفانی

۱۸۵- كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ. آیه: ای خداوندی که بندگانت همه فانیند و تو باقی، ای خداوندی که رهگانت همه نبودنی اند و تو بودنی، بودی تو و کس نبود، بمانی تو و کس نماند، همه مقهورند و تو قهار، همه مأمورند و تو جبار، همه مصنوعند و تو کردگار، همه مردنی اند و تو زنده جاوید، همه رفتنی اند و تو ماندنی، خداوندی گهارنده و باهمه تاونده او همواره لذائی رسد که:

ای قوم از این سرای حوادث گذر کنید خیزید و سوی عالم علوی سفر کنید

این گروه مسلمانان، این سرای فانی گذرگاه است، نگریذ تا دل در آن نبندید و آرام گاه نسازید برید مرگ را

(۱) حضرت علی (ع) فرمود: آن قدر که عالم برای تعلیم نزد خدا مسئول و مؤاخذ است جاهل برای تعلم مسئول نیست، زیرا علم پیش از جهل بوده پس برای داناسکوت در آموزش روا نیست و برای نادان سکوت در آموختن روا نیست!

بجان و دل پیش باز کنید و نعیم آن جهانی و حیات جاودانی را خواستار شوید، افسوس که تو ای بنده غافل با چشم بیدار در حال و کار خود ننگری و ساز رفتن نیازی تا آن ساعت که آب حسرت و دریغ گردد دیده ات در آید و غبار مرگ بر عذار مشکینت نشیند و آن روی ارغوانی زعفرانی گردد! مسکین آدمی که پیوسته نظاره مرگ دیگران میکند و پندارد که همیشه ناظر مرگ دیگران است و خود نخواهد مُرد و در حال اوست:

سر زلف عروسانرا چو برگ نسترن یابی؟ رخ گلبرگ شاهانرا چو شاخ زعفران بینی!  
ای رهی، اگر خود را می یابی و تدبیر خویش میکنی راحت آنست که در احوال گذشتگان و سیرت رفتگان از این جهانیان و جهان داران که بودند اندیشه کنی و در سرانجام کار آنان نگری، همانها که تکبر پلنگان داشتند، آن یکی قصر قیصری می ساخت، آن دیگری مُلک سلیمان می خواست، آن ستمگر از جگر یتیمان کباب می کرد، و آن دیگری از خون مفلسان شراب می خورد، آنان گلی بودند در شورستان دنیا شکفته، ناگاه باد زهر آگین مرگ وزیده و رخسارشان را تاریک گردانید و پس از آنکه چون گُل بشکفتند از بار بر بختند و در گِل خفتند!  
اگر کسی را در دنیا از مرگ ایمنی بودی، آن کس رسول خدا بودی که از فرزندان آدم هیچ کس آن تقرب و منزلت نزد خدا نداشت با این وصف فرمود: هیچ کس در جهان جاویدان نیست.

سر الب ارسلان دیدی، ز رفعت رفته بر گردون!  
به مرو آ تا کنون در گل تن الب ارسلان بینی!

### تفسیر لفظی

- ۱۹۰- اِن فِی خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ لَاٰیٰتٍ لِّاُولِی الْاَلْبَابِ.  
همانا در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و شد شب و روز نشانهائی است مرزبرگان و خردمندان<sup>(۱)</sup>.
- ۱۹۱- اَلَّذِیْنَ یَدْعُرُوْنَ اللّٰهَ قَیۡمًا مَّا وَقَعُوۡدًا وَّعَلٰی جُنُوۡبِهِمۡ وَیَشْفَعُ کَثَرُوۡنَ فِیۡ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَهُۥ هٰذَا بِلَا طِبَالٍ سُبْحٰنَکَکَ فَعِنَّا عَذَابُ النَّارِ. کسانیکه خدای را بناد می کنند در حال ایستاده و نشسته و در حال (بیماری) بر پهلوئی خویش خفتگان، و در آفرینش آسمانها و زمین اندیشه می کنند و می گویند پروردگارا، اینها را به گزاف نیافریدی، پاک و بی عیبی خدایا، ما را از عذاب آتش ننگه دار.
- ۱۹۲- رَبَّنَا اِنۡکَکَ مَنْ تَدْخِلُ النَّارَ فَقَدْ اَخۡزَیۡتَهُۥ وَ مَا لَیۡطَلَّ الْمِیۡنَ مِنْ اَنْصَارٍ، خداوند ما تو هر که را در آتش انداختی او را رسوا کردی و ستمکاران بی یار و یاورند.
- ۱۹۳- رَبَّنَا اِنۡنَا سَمِعْنَا مُنَادِیًا یُنَادِیۡ لِاٰیۡمَانٍ اِنَّ اٰمِنُوۡا بِرَبِّکُمْ فَاٰمَنَّا رَبَّنَا فَاغۡفِرۡ لَنَا ذُنُوۡبَنَا وَ کَفِّرۡ عَنَّا سَیِّئَاتِنَا وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ. خدای ما، ما ندای منادی شنیدیم که می گفت؟ ایمان آورید بخدایان، پس ای خداوند، ما ایمان آوردیم، گناهان ما را بیا مرز و بدهیهای ما را محو کن و ناپیدا گردان و ما را بانیکوکاران بمران.
- ۱۹۴- رَبَّنَا وَاٰتِنَا مَا وَعَدتَّنَا عَلٰی رُسُلِکَکَ وَلَا تُخۡزِنَا یَوْمَ الْقِیٰمَةِ اِنَّکَ لَا تُخۡلِفُ الْمِیۡعَادَ  
خدای ما، آنچه بر زبان پیمبران خویش بما وعده دادی بما ارزانی فرما و ما را روز رستاخیز رسوا مگردان چون وعده خود را خلاف نکنی.

(۱) حضرت علی (ع) فرمود: رسول خدا هر شب که برای نماز شب برخاستی این دو آیت را تا (فقتنا عذاب النار)

۱۹۵- فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ . پس خداوند بآنها پاسخ نیکو داد و دعای آنانرا مستجاب کرد و گفت: که من کاریج کارگری را ضایع نگذارم خواه مرد و خواه زن که همه جزو یکدیگرید . فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِّنْ دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا أَلَا كَفَرًا عَنَّهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَا دُخْلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ . پس کسانی که هجرت کردند و از خانمان خود ببردند و از سرایشان بیرون رانده شدند و در راه دین من آزار دیدند و کشتند و کشته شدند ، ما بدیهای آنانرا ناپیدا و محو کنیم و همگی را در بهشت جاودان که جویهای آب از زیر درختان آن جاری است پاداش از سوی خداوند وارد می کنیم ، که همه ثوابها و نیکوئیها نزد اوست .

۱۹۶- لَا يَغْرِبُكَ أَنَّكَ تَقْلِبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبِلَادِ . مبادا گشتن (و سود بردن) و گردش کردن کافران در شهرها تو را فریب دهد .

۱۹۷- مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ . این برخورداری اندک است پس از آن جای آنها دوزخ است و بد آرامگاهی است .

۱۹۸- لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ لَا يَرَارِ . لکن آنها که از شرک پرهیز کردند و تقوی پیشه نمودند ، جای ایشان بهشتانی است که جوی های آب از زیر درختان آن روان است و در آنجا جاویدان هستند و پذیرائی از نزد خدا است و آنچه از نزد خدا است برای نیکوکاران به و نیک است .

۱۹۹- وَإِنَّ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ . بدرستی که از اهل کتاب (جهود و نصاری) کسانی هستند که به خداوند و آنچه بشما و به ایشان نازل شده ایمان آورند و نسبت به خدا خاشع و فروداشت اند و نشانی ها و آیه های الهی را به بهای اندک خریدار نیستند و مزد این کسان نزد خدا ایشان است ، چه که خداوند خوش حساب و سبک شمار و زود توان است (۱) .

۲۰۰- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ . ای کسانی که گرویدید ، شکیبائی کنید در راه انجام احکام شرع و شکیبائی کنید در راه جهاد و جنگ با مشرکان ، و اسبهای لشکر سواره مسلمانان را آماده در سرحدات نگاه دارید تا آزار کافران را باز دارید و از خشم خداوند پرهیزید و تقوی پیشه کنید تا جاوید پیروز و رستگار آئید .

### تفسیر ادبی و عرفانی

۱۹۰- اِن فِی خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اٰیٰتٍ . کلام خداوندی که خدائی جز او نیست و آسمان و زمین را جز قدرت او عماد و پیوندی نه اخداوندی که فلک آفرید و بر ذروه فلک ملک آفرید ، آسمان آفرید و داغی از قدرت خویش بر او نهاد و زمین آفرید و سمتی از قهر بر او نهاد ، آسمان به امر وی گردان و زمین به قهر و جبر او در میدان ، جنبش

(۱) مفسران نوشته اند این آیت در شأن نجاشی پادشاه حبشه نازل شد در وقتی که پیغمبر از فوت او آگاه شد

و از دور بر او نماز گذارد و منافقان ایراد کردند که نجاشی بر دین اسلام نبود چرا بر او نماز خواند !

آسمان به امر و جبر او است، آرامش اندر زمین به امر و قهر او است، جنبش اندر آسمان و آرامش اندر زمین هر دو بیک دگر بسته و بهم پیوسته اند، پاک است خداوندی که جنبش را علت آرامش و آرامش را علت جنبش کرد و از ضدی ضدی بر آورد و ضدی را سبب قوام ضدی کرد.

در آیه دیگر آسمان را هفت وزمین را نیز هفت خوانده که همه زیر یک دیگرند و هر جا در آسمان بالا تر روند فراختر و هر چه زیر باشد تنگتر! پس آسمان هفتم فراختر و زمین هفتم تنگتر است. از این بیان و تعبیر می توان معجزه قرآن را که در زمان تاریکی جهان از نادانی، و کوری و کوری مردم از نادانی، خداوند چنین آفرینش زمین و آسمان را شرح داد که با واقع و حقیقت که امروزه کشف شده منطبق است! چگونه: خورشید که مرکز جهان شمسی است با چشم طبیعی هفت سیاره آن دیده شد، و میشود و هر کدام به فلک اصلی خود نزدیکتر است مانند عطارد، زهره، زمین - مدار آنها و فلک آنها تنگتر و کوتاه تر و کوچکتر است! و هر کدام از مرکز فلک خورشیدی دورتر است، دایره آن فراختر و بلندتر و بزرگتر است. همین گونه طبقات هفت گانه قشرهای زمین، که امروزه تا حدی پی به چند قشر آن برده اند و اکنون دانشمندان زمین شناس در صد پی بردن به آخرین قشر زمین هستند! و بنا بر معجزه قرآن، زمین باید دارای هفت قشر عمده و مهم باشد، که هر چه از مرکز و ناف زمین دورتر است بزرگتر و فراختر است، مانند قشرهای روی زمین و زیر و روی آن و هر قشر یا طبقه بمرکز زمین هسته مرکزی آن نزدیکتر است تنگتر و کوچکتر است چنانکه از پوسته ها روی پیاز بخوبی این تفاوت میان هر یک از قشرها عیناً مشهود و معلوم است!

پس از آسمان هفتم یا فلک زحل را، فلک الافلاک گویند و پس از آن فلک اثیر (اتر) است که می توان بادوستاره نبتون و اورانوس تطبیق کرد که چون با چشم ظاهر، بخوبی شناخته نشده بودند بر این دو نام تعبیر کردند و فلک افلاک را عرش عظیم خداوند دانسته و فلک اثیر را محرک و جنباننده دیگر افلاک می دانستند و اهل حق این فلک را کرسی خداوند تصور کرده اند!

... آيَاتِ لَا وَّلِيَّ إِلَّا اللَّهُ... آری آنچه در آسمان و زمین است و دیگر گونی شب و روز نشانی آشکار بر یگانگی و یکتائی خداوند است که در هر نشانی از لطف او برهانهاست، چشم باز کن و باز نگر تا ببینی این جبرم را هر ساعتی به رنگی دیگر، گاه بسان دریای سیاب، گاه بسان بوستان، این گردش و تلون نزد خردمندان دلیل کردگاری و توانائی و دانائی خداوند است!

۱۹۱- اَلَّذِينَ يَدْعُونَكَ اِیْهَ . ذَا كُرَانِ سَهْ كَسَانِدْ : یكى خدا را به زبان یاد کند و به دل غافل باشد این ذکر ستمگران است! دیگر، آنکه به زبان یاد کرد و به دل حاضر بود این ذکر مقتصدان و مزدوران است و مزدور در طلب مزد و ثواب است و در آن طلب معذور، سوم آنکه خدا را به دل یاد کند و دل از او پُر و زبان خلموش! این ذکر عارفان و خداشناسان است که زبان در سر ذکر شده و ذکر در سر مذکور، دل در سر مهر شد و میهر در سر نور، جان در سر عیان شد و عیان از بیان دور، ذکر دام نهاد و غیرت دانه ریخت، مزدور دام دید بگریخت، عارف دانه دید بردام آویخت!

پیر طریقت گفت: ذکر نه همه آنست که بر زبان داری، ذکر حقیقی آنست که در میان جان داری، و توحید

نه همه آنست که او را یگانه دانی، توحید حقیقی آنست که او را یگانه باشی و از غیر او بیگانه!

... وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ . آیه: از عارفی کامل پرسیدند که ذکر تمامتر است یا فکر، گفت: ذکر تمامتر است، از بهر آنکه ذکر صفت حق است، و فکر صفت خلق، و البته صفت حق تمامتر از صفت

حاق است زیرا تفکر در کردار و گفتار خویش واجب و در صنع صنایع مستحب و در ذات صنایع حرام است، که با تفکر در ذات خدا به کنه نرسند و او را به سزا نشناسند، ولی تفکر در عجایب صنع او پسندیده و سودمند است و چون هر چه در وجود است همه نوری است از انوار قدرت و عظمت او، پس اگر طاقت دیدن قرص خورشید بردوام ندارد بد طاقت شعاع نوری که بر زمین پرتوی افکند دارید و از آن شعاع بر روشنائی و دانائی خود بیفزائید.

۱۹۳- رَبَّنَا إِنَّا أَسْمِعْنَا مُنَادِيًا . آیه . خداوندا ، منادی شریعت ما را خواند و ما بجان و دل شنیدیم و باز نشستیم و گردن نهادیم ، چه بود که یکبار خود خوانی و این دل مرده زنده کنی ؟ که :

گر کافر ای دوست مسلمانم کن      مهجور تو ام بخوان و درمانم کن  
گر در خور آن نیم که رویت بینم      باری به سر گوی تو قربانم کن  
... رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا . آیه . خداوندا ، عیب پوش بندگانی و عذر نبوش عیب دارانی و دست گیر

فرماندگانی ، این درویش دل ریش در انتظار است که کی آواز آید که ما تو را پیامرزدیم ، میندیش ا

۱۹۴- رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا . آیه . خداوندا ، وعده که خود دادی به سر آر ، و درختی که خود نشانندی به بر آر ، چراغی که خود افروختی روشن دار ، مهری که بفضل خود دادی آفت ما از آن بازدار ، خداوندا ، شاد به آنیم که تو بودی و ما نبودیم ، کارتو درگرفتی و ما نگرفتیم ، رسول خود فرستادی ، خداوندا ، تو ما را برگرفتی و کس نگفت که بردار ، اکنون که برگرفتی نبگذار ، و در سایه لطف مان میدار و جز به فضل خودمان مسپارا

گر آب دهی نهال ، خود کاشته ای      و ر پست کنی بنا ، خود افراشته ای  
من بنده همانم که تو پنداشته ای      از دست میفکنم چو برداشته ای

۱۹۵- فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ . آیه . وفای وعده است که مؤمنان را داده بود و تحقیق این وفا آنست که داعی را اجابت ، سائل را عطیت ، مجتهد را معونت ، شاکر را زیادت ، صابر را بصیرت ، مطیع را ثبوت ، نادم را رحمت و محبت را کرامت داد و مشتاق را دیدار فرمان آمد: ای محمد ، ناامیدی در این درگاه نیست و کار بنده در پیروزی از سه خصلت بیرون نیست : اگر مطیع است ثواب او بجا است ، اگر عاصی است شفاعت تو بجا است ، و از هر چه بازماند رحمت من او را بجا است .

گر جرم همه خلق کنیم پاک بحل      در مملکتکم چه کم شود ، مستی گل ؟

... فَالَّذِينَ هَاجَرُوا . آیه . هجرت ، در به دری ، آزار و اذیت ، کشته شدن ، همه صفت دوستان است و آئین مشتاقان ، و داستان جان بازان ، و سرانجام کار عاشقان ، که دل بداده ، جان باخته ، خسته تیر بلا گشته ، تیغ قضا جاها و خشم بر انداخته و از خان و مان آواره و دور افتاده . گهی سوزند و گدازند ، گهی زارند و نالند ، سوز بینند و سوزنده نه ، شور بینند و شورنده نه ، درد بینند و درمان کننده نه ، از این عجب تر آنکه به درد خویش شادند و از پی دردی به فریادند ا

جانان ندهم ز دست تا جان ندهم      من جان بدهم ز دست و جانان ندهم  
اکنون باری بنقد دردی دارم      کین درد به صد هزار درمان ندهم

بپر طریقت گفت : خدایا هر که تو را جوید او را بنقد رستخیزی باید ، یا به تیغ ناکامی او را خون ریزی باید ،

هر که قصد تو کند روزش چنین است یا بهره درویش خود چنین است ا

... لَا تُكْفِرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ . آیه . چنان دردی بیاید تا چنین مرهمی بشاید ، قومی را رضای مولی

و دیدار او دست در آغوش ، بازبان حال از سر ناز و دلال گوید : خدایا ، محنت من بودی دولت من شدی ، و اندوه من بودی

راحت من گشتی، و داغ من بودی چراغ من شدی و جراح من بودی مرهم من شدی |  
 ۲۰۰- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا . آیه . این بار مرهمی دیگر و نواختی دگر است اندا ندای فضیلت ،  
 خطاب خطابِ کرامت و رهی را گواهی دادن به ایمان و طاعت ، یکی خطاب به نفس است دیگری خطاب به دل و سوی  
 خطاب به جان است ، نفس را می گوید بر طاعت و خدمت صبر کن ، دل می گوید : بر بلا و سختی شکبیا باش ، سوی را  
 گوید : با سوز شوق و درد بساز و رابطه را استوار کن .

لطیفه: گفته اند: صبر عابدان در مقام خدمت بر امید ثواب است ، صبر عارفان در مقام حرمت بر آرزوی وصال  
 است ، صبر دوست داران و عاشقان در حال مشاهدت در وقت تجلی است که دیده در نظاره نگران ، و دل در دیده حیران ،  
 و جان از دست مهر به فغان است |

پیر طریقت گفت: خدایا، همگان در فراق میسوزند و دوستدار در دیدار، چون دوست دیده و رگشت دوستار را  
 با شکیبائی چه کار؟

... وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ . آیه . تقوی درختی است که بیخ آن در زمین وفا ، شاخ آن بر هوای  
 رضا ، آب آن از چشمه صفاء است ، نه گرمای پشیمانی به آن رسد نه سرمای سیری ، نه باد دوری ، نه آفت پراکندگی امیوه آرد  
 میوه پیروزی ، و فلاح ابدی و صلاح سرمدی و نعم باقی و ملک جاودانی ، این است حقیقت فلاح و رستگاری . که پیغمبر  
 فرمود: ای صاحب ایمان، بر تو باد به پرهیزکاری که گرد آورنده همه نیکیهاست ، و بر تو باد به ذکر خدا که روشنائی  
 برای قلب تو است !

۴

سوره - ۴ - نساء - (مدنی) ۱۷۶ - آیه - جزو چهارم ❀

### ❀ تفسیر لفظی ❀

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - بنام خداوند بخشنده مهربان .  
 ۱- يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ  
 مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا .  
 ای مردم ، پرهیزید از خشم خدائی که شمار از یک تن آفرید و جفت وی را از او آفرید و از آنها مردان و زنان در جهان پراکند ،  
 و پرهیزید از عذاب خدائی که داوری و زینهار بسوی او می برید و همچنین پرهیزید از قطع رحم و بریدن از خویشاوندان که  
 خداوند بر شما دیده بان و گوشوان است .

لطیفه: تقوی سه قسم است: ۱- از شرک پرهیز کردن که تقوای عام است . ۲- از گناه پرهیز کردن که تقوای خاص  
 است . ۳- از شبهت پرهیز کردن که تقوای خاص خاص است .

۲- وَ اتَّقُوا النَّيَّتْ إِلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَلَا تَتَّبِعُوا النَّيَّتْ بِالطَّبِيعِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ  
 إِنَّهُ كَانَ حَوبًا كَبِيرًا . مالهای یتیمان را به خودشان دهید (که قسیم ایشان بوده اید) و مال یتیم که برای شما ناپاک است  
 از مال خود که پاک است بدل نگیرید و مال آنان را با مال خویش هر دم نکسید و نخورید که خوردن مال یتیم گناه بزرگی است .  
 ۳- وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُفْسِدُوا فِيهِ النَّيَّتْ فَاذْكُرُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النَّسَاءِ مَثْنِي وَثُلَاثَ

وَرُبَّاعٍ فَاِنْ خِفْتُمْ اَلَا تَعْدِلُوْا فَاَوْحِدْهُ اَوْ مِمَّا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ ذٰلِكَ اَلَا تَعْدِلُوْنَ . واگر می ترسید که در کار یتیمان به داد رفتار نکنید ، پس از زنهایی که برای شما پاک و حلال است (یا از مادری یتیمان) دو گانه و سه گانه و چهار گانه بگیریید ولی اگر می ترسید که با آنها به عدالت و مساوات رفتار نکنید پس یک زن بیشتر نگیریید و اگر از عهده دادگری با یک زن آزاد هم بر نمی آئید به زنان برده و کنیز اکتفا کنید ، این امر نزدیکتر است به اقتصاد و اینکه با هزینه کم شمارا خدمت می کنند و شما هم از آنها تمتع می برید .

۴- وَآتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوْهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا . کابین های زنان را که نامزد کرده اید و فریضه ایست که خداوند بآنها بخشیده تمام و کمال بدهید اگر زنان خوش منش باشند که چیزی از مهر (کابین) خود را بشما بدهند (به بخشند) پس بخورید به گوارائی و خوشی .

۵- وَلَا تُوْتُوا السُّفَهَاءَ اَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللهُ لَكُمْ قِيَامًا وَاَرْزُقُوْهُمْ فِيْهَا وَاكْسُوْهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا . اموال خود را (مال آنها که نزد شماست) به سفیهان و بی خردان که خداوند شما را بر آنها قیام قرار داده بآنها ندهید ولی روزی روزانه آنها را بدهید و جامه هم بآنها ببوشانید و با آنها سخن نیکو گوئید و با گفتار پسندیده با آنها رفتار کنید .

### تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللّٰهِ . آیه . تفسیر مفصل (بسم الله) در آغاز سوره (حمد) بیان شده .

۱- يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ . ای نقطه انسانیت ، ای صفات بشریت ، تقوی پناه خویش گیرید و آن را ملازم باشید که صیانت بندگان به اوست و رستگاری رهبران در اوست ، تقوی آنست که بنده فرمان شرع را سپر خویش سازد تا تیر نهی بدو نرسد و آنرا سه رتبت است : اول آنکه در پناه کلمه توحید شود و از هر چه شرك است پرهیزد . دوم آنکه به پناه طاعت و عبادت شود و از راه معصیت بر خیزد . سوم آنکه به پناه احتیاط شود و از شبهت بگریزد . هر که این سه منزل تقوی را به صدق باز بردنچار بمقصد رستگاری رسد که خداوند خود فرمود : پرهیزکاران را در پناه خویش گیرد و به آنها بدی و اندوهی نرسد .

خواهر (بشرحافی) یکی از عارفان مشهور ، از یکی از پیشوایان اسلام پرسید : من بر بام خانه دوک ریسم ، در آن حال مشعل طاهریان بگدرد و من در روشنی آن تابی از ریسمان در بندم ، روا باشد یا نه؟ عارف شناسائی آن زن را خواست گفت : من خواهر بشرحافی هستم ، گفت : الحق که خواهر آن بزرگواری ای پس هرگز در مشعل دیگران تاب میند که برادرت هر وقت دست به طعمای شبهه ناک بردی ، دست از او اطاعت نکردی !

مصطفی در وصف کردگار جهانیان و خداوند عالمیان گفت : خداوند می فرماید : چون بنده من همه مرا خوانند و همه مرا داند و همه مرا باشد ، من نیز روی دل خود باوی گردانم و در ب همه شهوتها و ازادتها و شهوتها و بایستها بر او در بندم و اغیار را به تمامی از دل او بیرون کنم ، عشق با ما گفتن و از ماشینیدن را بر جان و دلش مسلط گردانم ، بر بساط عشقش آرام دهم . تیغ غیرت از بلای سرش بدارم ، تا اگر خواهد پادگیری نگرد یا به کس طمع کند یا به دیگری بازاری سازد ، او را فرا نگذارم .

آری چون ما او را خواهیم ، دانیم که به غارت چون باید برد ، امروز او را به شمه تقوی سپاریم تا او را در حمایت

خود بجای دهد و حرکات و سکنات او را به شرط ادب در آورد. و ما فردا او را به حضور خود فرود آوریم و گوئیم بیا، بیا، که امروز بازار تو است و هر که را از تو بهره ایست بقدر نصیب وی او را به سرائی فرود آر، و آشنایان را در حضور بپذیر که ما در ازل چنین حکم کردیم.

... الدی خلتکم من نفسین واحده آیه. خداوندی که هر چه آفرید جفت آفرید و هر کس را همسری فراهم کرد و مانند در پیوست و شکلی در او بست، که وحدانیت و فردانیت صفت و بره اوست و حق و سزاوار او که فرمود: من چیزها را جفت آفریدم تا دلیل یکتائی من باشد.

... وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً آیه. به کمال قدرت و جمال ربوبیت خود، از نسل کسی چندین هزار کس بیرون آورد با طبعها و رنگها و صورتها و سیرتهای گوناگون اچندانکه دو کس نه بینی که بیکدگر در خوی و منش مانند و یا در صورت و سیما با هم نمون باشند، که خداوند بر دلها بی بر رسیدن آگاه، و در کوشیدن از آسودن بی نیاز است و این پندی است از من بنده را، یعنی که چون میدانی که من گوشوان (آگاه و شنوا) هستم و بر دلها و کرده ها و گفته ها دیده بانم، تو هم مراقبت بکار دار و حق ما بجای آر. و مراقبت بنده آنست که پیوسته با حق می نگرد و نظر حق پیش چشم خویش میدارد و چون داند که از او غافل نیند، پیوسته در احتیاط و بر حذر ماند.

لطیفه: کسی به چوپانی بگذشت که گوسفندانی به چرا داشت، او را گفت یکی از این گوسفندان بمن بفروش گفت: از آن من نیست که بفروشم، گفت: اگر پرسند بر گو که گرگ بخورد اچوپان گفت: پس خدا کو؟ آن کس را این سخن خوش آمد و رفت آن چوپان و همه آن گوسفندان را از صاحبش بخرید !!

### تفسیر لفظی

۶- وَابْتَغُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَن يَكْبَرُوا. یتیمان را بیازمائید، اگر از ایشان راست راهی و نگه داشت مال ببینید ما لایشان را بدهید و به گراف و پیشی گرفتن بر رشد و بلوغ آنان، نخورید و من کلان غنیاً فلیستعفف و من کلان فقیراً فلیأكل بالمعروف فإذا دفعتم إليهم أموالهم فاشهدوا علیهم و کنی بالله حسیباً. و هر کس از قیمها و سرپرستها که بی نیاز باشد باید دست از مال یتیمان پاک دارد ولی هر کس که بی چیز و تهی دست باشد می تواند به اندازه نیاز خود و به داد از مال آنها بخورد و چون مالشان بدستشان دهید گواهی بر اقرار آن به گرفتن مال گیرید که خداوند را گواهی و پسندیده کاری و شمار خواهی پسندیده است.

۷- لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا. مردان از آن چه پدر و مادر و خویشان گذارند بهره ایست و زنان را نیز از آنچه پدران و مادران و خویشان گذارند بهره ایست.

۸- وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا. هنگامیکه خویشان و یتیمان و مسکینان در قسمت مال حاضر باشند، با آنها چیزی از تر که بدهید و برایشان سخن نیکو و دعای نیک کنید.

۹- وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَةً ضِيعًا أَلْأَخْلَافُ أَعْلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا

قَوْلًا سَدِيدًا. و آیدون، کسانیکه از پس مرگ خود فرزندان نارسا و صغیر بگذارند باید برسند بر آنان از بی نوائی و بی کسی، پس باید از خشم خداوند پرهیزند و سخن به لطف و مهربانی با آنها گویند و در نگاهداری و پرورش آنان کوشند.

### تفسیر ادبی و عرفانی

۶- وَاَبْتَلُوا الْيَتَامَىٰ. آیه. رشد از روی شریعت، پرهیزکاری و پارسائی و خویشن داری است، بدین گونه که اقتصاد در معیشت نگاهداشتن، و از راه تدبیر و اسراف برخاستن، و از روی حقیقت راه به حق بردن است، این رشد که در بنده پدید آید از هدایت و ارشاد حق باشد که دلگشای و رهنمای بندگان است و نشان این رشد در حق بنده آنست که بدرگاه، تن به خدمت دارد و دل بر معرفت و سر بر محبت، و آن گاه در مقامات بر طریق ملازمت و استقامت رود و عقده‌ای که با حق بسته فسخ نکنند و عزی که کرده نقض ننمایند.

ابراهیم ادهم در راه مکه با یکی از درویشان هم صحبت شد بشرط آنکه جز خدای به کسی ننگرند و جز حق بردل خود راه ندهند، اتفاقاً در طواف کودکی را دیدند که خلق از جمال او به فتنه افتاده بودند و ابراهیم در آن کودک نیکو نظر کرد و درویش گفت: ای ابراهیم عهد شکستی و عقده‌ای که بستی در آن خلاف و نقض آوردی که در این غلام زیباروی چندین نظر کردی! گفت: ای درویش خبر نداری که این کودک پسر من است! درویش گفت: پس چرا او را آواز نگوئی و دل بدان شاد نکنی؟ گفت چیزی را که ترک کردم بسوی او بر نمی‌گردم! پس از آن گفت: تو برو و بر او سلام کن و خبر مرا به او مده و جای مرا هم به او مگو! درویش می‌گوید رفتم و سلام کردم پرسیدم تو کیستی؟ گفت من ابراهیم پسر ابراهیم ادهم هستم شنیده‌ام پدرم هر سال به زیارت و طواف کعبه می‌آید آمده‌ام تا شاید او را به بینم! پس نزد ابراهیم برگشتم شنیدم اشعاری را زمزمه میکند بدین مفاد: خدایا از تمام خلق در هوای تو جدا شدم، و فرزندم را یتیم کردم بامید دیدار تو، اگر در راه دوستی، مرا تیکه تیکه کنی، دلم هوای کس دیگر نخواهد کرد.

۷- لِلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ. آیه. حکم میراث به عیب و هنر و بطاعت و معصیت نگردهد، اگر دو پسر باشند یکی صالح و دیگری طالح، یکی نیک عهد و دیگری بدعهد، در میراث پدر و مادر هر دو یکسانند، از آنکه میراث، عطائی است از جانب حق و نعمتی از خزانه حق بی کسب بنده! همان گونه که ایمان موهبت الاهی است و عطای رایگان، لاجرم ظالم و مظلوم را از هم باز نکرد، بلکه این ظالم بود که ابتدا به خود ظلم کرد و از این موهبت بهره‌ای نبرد!

۸- وَاِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ اُولُو الْقُرْبَىٰ. آیه. می‌گوید چون مستحقان میراث، هنگام قسمت حاضر شوند و هر کس بهره خویش بردارد، اگر درویش یا یتیمی که در آن نصیب ندارند آنجا حاضر شوند، ایشانرا ناامید مکنید و از آن میراث چیزی روزی به آنها بدهید و با آنها سخن خوش گوئید.

لطیفه: در این آیت لطیفه ایست سخت نیکو و آن اینکه در عرصه عظمی و محشر کبری! یعنی فردای قیامت که ثواب کاران به مزد کارهای خود برسند، امید است که گناه کاران امت را از رحمت و مغفرت خویش محروم نکند!

۹- وَلَيْسَ خَشْيَتُ الدِّينِ لَوْ تَرَكَوْا. آیه. اشارت است باینکه مرد مسلمان باید سعادت و بهروزی فرزند و عیال خود به تقوی و سداد خویش حاصل کند نه بجمع مال، از بهر آنکه خداوند نگفت باید در جمع مال برای آنان کوشند، بلکه گفت: تا تقوی پیشه کنند و به آنها گفتاری سدید و استوار گویند.

### تفسیر لفظی

۱۰- اِنَّ الدِّينَ يَا كُفُّونَ اَمْوَالُ النَّبِيِّ اِذَا تَمَّ اَنْ يَكُنَّ فِي بَطْنِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ

سعی را. کسانی که مال پیمان را به بیدادگری می خورند همانا آتشی است که در شکمهای خویش می خورند و خواهند رسید به آتش افروخته.

۱۱- يُوَصِّيْكُمْ اللهُ فِيْ اَوْلَادِكُمْ لِلَّذِيْ كَرِهْتُمْ لِجَدِّكُمْ لِيْلِدَ كَرِيْمًا لِّحِطِّ الْاُنْثِيَّيْنَ فَاِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اَثْنَتَيْنِ

فلهنَّ ثُلُثًا مَا تَرَكَ وَ اِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَ لَا يُوْثِقُ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ اِنْ كَانَ لَهُ وُلْدٌ. خداوند سفارش می کند بشما در فرزندانتان که سهم پسر از ارث دو برابر سهم دختر است و اگر وارثا بیش از دو نفر زن باشند سهم همه آنها دوثلث ترکه است و اگر یک نفر زن باشد سهم او نصف ترکه است و هر یک از پدر و مادر، شش یک سهم می برند هرگاه برای متوفی فرزند باشد. فَاِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وُلْدٌ وَوَرِثُهُ اَبَوَاهُ فَسَلَامَةٌ لِّلثُلُثِ فَاِنْ كَانَ لَهُ اُخُوَةٌ فَسَلَامَةٌ لِّلثُلُثِ مِنَ السُّدُسِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةِ يُوْصِيْ بِهَا اَوْ دِيْنٍ اَوْ بَنِيٍّ اَوْ كَوْمٍ لَا تَدْرُوْنَ اَيُّهُمْ اَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيْضَةٌ مِنَ اللهِ اِنْ اَللَّهُ كَانَ عَلَيهَا حَكِيْمًا. و اگر متوفی دارای فرزند نباشد و پدر و مادر وارث او باشند، سهم مادر یک سوم است و بی اگر متوفی دارای برادران است سهم مادر یک ششم است بعد از وصیتی که مرده کرده باشد یا بدهی که بر ذمه او باشد و شما نمی دانید که (در دنیا و آخرت) پدران شما بیشتر بحال شما سودمندند یا فرزندان شما؟ از این رو خداوند فرض سهم آنانرا معین کرد که شما در تردید و اختلاف نباشید، چون خداوند دانا و باحکمت و راست دانش است.

۱۲- وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ اَزْوَاجِكُمْ اِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وُلْدٌ فَاِنْ كَانَ لَهُنَّ وُلْدٌ فَلَكُمْ

الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةِ يُوْصِيْنَ بِهَا اَوْ دِيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ اِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وُلْدٌ فَاِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةِ تُوْصَوْنَ بِهَا اَوْ دِيْنٍ وَ سَهْمُ شَهِرَانَ اَزْ ارث زنهايتان نصف ترکه است اگر متوفی دارای فرزند نباشد و اگر دارای فرزند باشد سهم چهار یک است بعد از وصیت و پرداخت قرض متوفی و سهم زنان شما از مال شوهر چهار یک است اگر دارای فرزند باشد و اگر دارای فرزند نباشد سهم زنان شما یک هشتم است بعد از وصیت یا دین متوفی. وَ اِنْ كَانَ رَجُلٌ يُوْرَثُ كَلَالَةً اَوْ امْرَاةٌ وَلَهُ اَخٌ اَوْ اُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ فَاِنْ كَانَ نِسَاءً اَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهِنَّ شَرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةِ يُوْصِيْ بِهَا اَوْ دِيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةِ مِنَ اللهِ وَ اللهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ. اگر مرد یا زنی که ارث می گذارد کلاله باشد یعنی نه فرزند و نه پدر و مادر داشته باشد هر یک از آن برادر و خواهر شش یک ارث می برند. اگر شماره آنها بیش از دو تا باشد همگی در سه یک ارث با هم شریک مساوی هستند (پسر و دختر) البته بعد از وصیت یا دین، وصیتی که سبب زیان حق نباشد، این است اندرز خداوند که دانا و بردبار است.

۱۳- تِلْكَ حُدُودُ اللهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللهَ وَرَسُوْلَهُ يَدْخُلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا اَنْهَارٌ

خَالِدِيْنَ فِيْهَا وَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ. این است احکام و اندرز خداوند، و کسی که خدا و فرستاده او را اطاعت کند در بهشتانی میرود که زیر درختان آن جویها از آب روان است و در آنجا جاویدانند، این است پیروزی بزرگ!

۱۴- وَمَنْ يَعْصِ اللهَ وَرَسُوْلَهُ وَيَتَّعَدَّ حُدُوْدَهُ يَدْخُلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيْهَا وَ لَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ.

و هر کس خدا و فرستاده اش را نافرمانی کند و از حدود خویش تجاوز نماید او را در آتش بجاویدان فرود آورند و عذاب او خوارکننده و نومیدی پیش آورنده است .

### تفسیر ادبی و عرفانی

۱۰- اِنَّ الَّذِيْنَ يَأْكُلُوْنَ اَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا . آیه . خداوند بزرگوار، رهی دار وفادار، که ضعیفان را دست گیر و مهر پیوند است در این آیت آنها را می نوازد و یتیمان را مهر می ورزد و ستمگران که از جگر یتیمان و خون نیازمندان کباب و شراب می خورند بهم میدهد و به کیفر آنها را می ترساند ، از آن سبب که یار بی نوبان و فریادرس نومیدان است و خداوند بنده ای را که از سرشکستگی و ناتوانی وفاداری ، نفس سرد بر آورد و اشکی گرم فرو بارد و دوست تهی بسوی او بردارد و عذرگناهان بخواهد ، دوست دارد !

در آثار آورده اند که : مردی در مناجات با خدا می گفت : ای پروردگار ، ای خداوند یکتا ، ای آفریننده یگانه ، تو نوشتی ، تو مقدر کردی ، تو حکم کردی ، بار خدایا هر چه بوده هست و خواهد بود همه تومی خواهی و تو میرانی و بر خلق تومی نویسی ، هیچیک از تقدیر تو بیرون نه ، و بی قضای تو هیچ چیز نیست ، از عالم غیب ندا آمد که این عین توحید و سزاوار خدائی ما است ، پس نشان بندگی تو چیست ؟ بنده عرض کرد : بار خدایا ، من نافرمانی کردم ، من گناه کردم ، و من بخشش خواستم ، خداوندا ، از من آن آید که آن سزد ، بار خدایا ، من بدعهدی وفا ، جفا کار و هر چه بتر هستم !

قصه چکنم، حیلت و رنگیم همه      وز رفتن راه راست رنگیم همه!  
از آرزوی بخته چنگیم همه      با قسمت قسام به چنگیم همه!

... اِنَّ الَّذِيْنَ يَأْكُلُوْنَ اَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا . آیه . مال یتیمان خوردن سخت است و درخواست آنان طمع کردن دشوار، و ستمگری بر ناتوانان از بدترین گناهان است .

آورده اند که عیسی (ع) از گورستانی گذشت گفت : بار خدایا، از کرمیت و عنایت یکی از این بندگان را زنده کن ! در حال ، پاره ای خاک فرو شد کسی بلند بالا از خاک برآمد و بایستاد ! پرسید تو کیستی ؟ گفت فلان .. گفت کی مُردی ؟ گفت ۲۷۰۰ سال پیش ! پرسید : مرگ را چگونه یافتی ؟ گفت از هنگام مردن تا کنون هنوز تلخی مرگ با من است پرسید : خدا با توجه کرد که چنین تلخ مرگی ؟ گفت : از آن تاریخ تا کنون گرفتار مطالبه حساب نیم دانگ مال یتیم که در گردن من است بوده ام و هنوز از حساب آسوده و فارغ نگشته ام این را بگفت و در خاک فرو شد !

۱۱- يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اٰتُوْا مَالَ الْيَتَامَىٰ حَقًّا مِّنْهُم مَّا رَزَقْتُمُوْهُم مِّنْ اَمْوَالِهِمْ لِيُحْيُوْا اَمْوَالَهُمْ لِيُزَكِّيَنَّ اللهُ لَهُمْ وَاَلَّا يُكُوْنُوْا سَرٰٓسِرًا . آیه . خداوند استحقاق ورثه از میراث را بر دو گونه برقرار کرد یکی از روی فرض و دیگری از روی عصبه، و استحقاق از جهت عصبه بیشتر و قوی تر است از جهت فرض، چه سهم ارث عصبه همه مال است و سهم فرض تا دوثلث بیش نیست و چون میراث عطیه ای الهی که بی رنج و کسب بنده است، عصبه را مستحق تر دانست ، و اینکه سهم پسر را دو برابر دختر فرمود ، فهم این کار نه بقیاس بندگان است و نه در حد فهم ایشان ، چه اگر به قیاس بودی سهم مادینه که ضعیفتر است باید بیشتر از سهم زبینه باشد که قوی تر است ! لکن حکم خداوند را نه علت در آن جاری و نه چون و چرا در آن روا ، نه کس را بر آن اعتراض و نه بندگان را از آن اعراض ! والبتة دارای حکمت است .  
... اٰتُوْا مَالَ الْيَتَامَىٰ حَقًّا مِّنْهُم مَّا رَزَقْتُمُوْهُم مِّنْ اَمْوَالِهِمْ لِيُحْيُوْا اَمْوَالَهُمْ لِيُزَكِّيَنَّ اللهُ لَهُمْ وَاَلَّا يُكُوْنُوْا سَرٰٓسِرًا . آیه . پدران و فرزندان به دو برادر مهر بان و شایسته و کاردان مانند که چون کسی خواهد آنان را بستاید گوید : خود ندانم از ایشان کدام یک بهتر و مهر بانترند ! چون خوبی و مهر بانی هر دو به

غایت کمال است؟- پدران و فرزندان همچنانند، آنکه پدرانند به فرزندان خود بهره مندند، و آنکه فرزندانند به حرمت پدران سودمندند، پدران در دوران کودکی فرزندان را بکار آیند و فرزندان در زمان پیری پدران را بکار آیند این خود سود این جهانی است و سود آن جهانی هم دارد .

لطیفه : گویند مردی را در بهشت به بالاترین درجه رسانیدند که هرگز خود را سزاوار و شایسته آن مرتبت نمی دانست گفت: بار خدایا مرا این منزلت از جفا است او را گفتند : از دعای فرزندان!

۱۲- وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ اَزْوَاجُكُمْ . آیه . ثبوت میراث و یا از جهت نسب است یا از جهت سبب، نسب، خویشی است و سبب، زناشویی، پس چون کسی از خویشان نسبی یا سببی بمیرد داغی باشد بر دل وی و دردی باشد بر جان وی، و خداوند آن درد را مرهم بر نهاده و از پس آن مصیبت مواساتی فرموده که چون درد از فوت او بود، مرهم از مال او باشد | این است حکمت خداوند با بندگان که اگر بر دوستان او رنجی رسد، از پس آن بحکم او گنجی رسد |  
پیر طریقت شیخ انصاری گفت : من چه دانستم که مادر شادی رنج است و در زیر ناکامی هزار گنج ؟ من چه دانستم که آرزو، برید وصال است و در سایه ابر هستی نو میدی محال ؟ من چه دانستم که خداوند چنان بنده نواز است و دوستان را بر او چنین ناز است ؟ من چه دانستم که آنچه من می جویم میان روح است و عز وصال تو مرا فتوح ؟

اندر همه عمر من شبی وقت صبح  
آمد بر من خیال آن راحت روح  
پرسید ز من که چون شدی ای ماجر روح ؟  
گفتم که ز عشق تو همین بود فتوح

### تفسیر لفظی

۱۵- وَاللّٰتِیْ یَا تِیْنَ الْفٰلٰحِیْشَۃَ مِنْ نِّسٰئِکُمْ : فَاسْتَشْهِدُوْا عَلَیْهِنَّ اَرْبَعَۃَ مِنْکُمْ فَاِنْ شَهِدُوْا فَاَمْسِکُوْهُنَّ فِی الْبُیُوتِ حَتّٰی یَتَوَقَّیْهِنَّ الْمَوْتُ اَوْ یَجْعَلَ اللّٰهُ لَهُنَّ سَبِیْلًا . کسانی که از زنان شما نابکاری کنند، پس چهار مرد بر آنها گواه گیرید اگر آنان گواهی بر فاحشگی آن زنان دادند آنها را در خانه ها باز دارید و تا بوقت مرگ آنان را نگاه دارید، تا خداوند راهی برای آنها سازد .

۱۶- وَالَّذِیْنَ یَا تِیْسَانِیْهَا مِنْکُمْ فَاذُوْهُمَا فَاِنْ تَابَا وَاَصْلَحَا فَاَعْرِضُوْا عَنْهُمَا اِنَّ اللّٰهَ کَانَ تَوَّابًا رَّحِیْمًا . مرد و زنی از شما که مرتکب فحشاء شوند و نابکاری کنند آنان را از جر کنید (و جد جاری کنید) پس اگر توبه کنند و به صلاح آیند ایشانرا در گذارید و متعرض نشوید چون خداوند توبه پذیر و مهربان است .

۱۷- اِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللّٰهِ لِلَّذِیْنَ یَعْمَلُوْنَ السُّوْءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ یَتُوْبُوْنَ مِنْ قَرِیْبٍ فَاُولٰٓئِکَ یَتُوْبُ اللّٰهُ عَلَیْهِمْ وَ کَانَ اللّٰهُ عَلِیْمًا حَکِیْمًا . باز پذیرفتن بندگان از جانب خداوند در مورد کسانی است که کارهای بد و نابکاری را از روی نادانی مرتکب میشوند و پس از آن پشیمان شده و بزودی توبه می کنند، البته در این مورد ها، خداوند باز پذیرد و آنانرا توبه دهد که خداوند دانا و راست دانش است .

۱۸- وَلَیْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِیْنَ یَعْمَلُوْنَ السَّیِّئٰتِ حَتّٰی اِذَا حَضَرَ اَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالِ اِنِّیْ تُوْبْتُ الْاَنۢ وَاَلَّذِیْنَ یَمُوتُوْنَ وَهُمْ کٰفِرًا اُولٰٓئِکَ اَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا اَلِیْمًا . کسانی که کارهای بد کنند و چون هنگام مرگ رسد بخواهند توبه کنند و بگویند: حالا توبه کردیم البته توبه آنان پذیرفته نیست و هم چنین کسانی که توبه می کنند در حالیکه کافرند و به خدا شرك آورند (توبه آنان نیز پذیرفته نمیشود) و ما برای آنها عذاب دردناکی فراهم ساختیم .

## تفسیر ادبی و عرفانی

۱۵- وَاللّٰتِیْ یَاْتِیْنَ الْفُلْحِشَّةَ . آیه. کردگار نهان دان، بخشاینده بر همگان، در این آیت از رحمت و فضل خود بر بندگان و پرده پوشی بر عیب ایشان خبر داد، تا همه خود داند کار بدشان، و نبیر دآبرویشان، چه هر چند رهی شوخ تر، خداوند کریم تر است!

نوشته اند: خداوند از عالم غیب بندگان را مخاطب ساخته می گوید: بنده من، تو هر چه به گناه بیشتر رو کنی من به آمرزش بیشتر توجه کنم تا بدانی که من منم و تو تو!

داوید پیغمبر هر آیت زبور که خواندی گفتی: خداوند، گناه کاران را میامرز! اتفاقاً داوود را خود واقعه ای افتاد که تیر تقدیر به حلق او نشست، در خاک پشیمانی در غلتید و گفت: خدایا، مرا بیامرز و قلم عفو بر گناهم بخش، ندا رسید ای داوود، تویی گفتی گناه کار را میامرز! گفت بار خدایا، ندانسته بودم هنوز خام بودم، هدف تیر تقدیر نشده بودم، بار خدایا، از آنچه گفتم توبه می کنم، تو آن کن که سزاوار آتی، تو احوال بندگان بهتر دانی و آگاه بر راز ایشان، عزیز و سلطانی، کریم و مهربانی. لطیفه: از مهربانی خداوند نکته ای بشنو، بنگر در این آیت و اندیشه کن در این حالت که گواهی چهار گواه عدل در ثبوت فاحشه معتبر کرد، بروجهی که اقامت بیئت بر آن صفت دشوار صورت تحقق گیرد، این همه برای این کرد که فاحشه بر بنده درست نشود و او را رسوائی نرسد! این خود ادب را مصطفی از حق بیاموخت که در مورد اقرار کسی به عمل فحشاء رسول خدا بهانه ها پیش می آورد و او را از آن دور میداشت.

عربی نزد مصطفی آمد و گفت: مرا پاك گردان، فرمود: برو توبه و استغفار کن، دوباره و سه باره آمد و گفت: مرا پاك گردان، فرمود مگر این دیوانه است؟ گفتند نه - پرسید خمر خورده؟ آزمودند گفتند نه، مصطفی پرسید زنا کردی؟ گفت: آری - گفت شاید نگاه کردی یا بادت لمس کردی؟ گفت نه زنا کردم! چون دوبار اقرار کرد سنگ باران شد. گویند پس از آن محکوم را ندا رسید: ندانستی که ما محمد را برای تنفیذ احکام شرع فرستادیم و حاکم کشور جهان کردیم، چون توبه نزد اورفتی با همه ارفاق و همراهی، چون در اجراء حکم و راندن حد تقصیر نکند تو را رجم کرد، چرا نزد ما و به درگاه ما نیامدی و توبه و استغفار نکردی تا توبت تو را پذیرفتی و از گناهت درگذشتمی؟

۱۷- اِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ . آیه. توبه نشان راه و سالار بار و کلید گنج و شفیع وصال و سبب شادی و مایه آزادی است و نشانی آن اول پشیمانی در دل، پس عذر به زبان، سپس بریدن از بیدی و از بدان است.

در خبر است که هر کس توبه کند ولی رفیقان بد را و انگذارد توبه کار نیست! هر کس توبه کند و آنچه از مال زائد دارد که خود را بدان نیازی نیست انفاق نکند، توبه کار نیست، شرط توبه آنست که از همه موجودات دل برگیرد و روی در حق آورد، توبه برای آنست که آنچه فردا آتش دوزخ با تو کند تو آنرا از پیش به آب دیده توبه آنرا خاموش کنی، ای آزاد مرد چند در خوابی بیدار شو که وقت صباح است و در سر شور شرار شوق داری، همین که هنگام صبح است، تاکی شکسته دل و شکسته عهدی، بیا که وقت قبول نصیحت و توبه نصوح است!

ای باز هوا گرفته باز آی و مرو / کز رشته نوسری در انگشت من است

۱۸- وَلَیْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِیْنَ یَعْمَلُونَ السَّیِّئَاتِ . . . آیه. توبه به زبان علم پیش از رسیدن مرگ باید و گرهه یک لحظه بود، لیکن در زبان معاملات پیش از آن باید باشد که نفس، عادت در خویشتن دیدن و خود پرستیدن را

دارا شده ، که هر کس خویشتن را پسندید و بعبادت در خود نگریست ، درب توبه به روی او فرو بستند و آب رستگاری از وی باز گرفتند . که گفته اند :

دور شو از صحبت خود بر در عادت پرست  
بوسه بر خاک کف پای ز خود بپزار زن  
داود پیغمبر را دیدند به درگاه خدا از گناه خود گریه و زاری می کند ! ندا رسید ای داود ، ما که گناه تو را بخشیدیم و عذرت را پذیرفتیم دیگر چرا گریه می کنی ؟ گفت : خداوند آنوقت خوشی که در صحبت و آن نفس که مرا با تو بود در خلوت بازده ! ندا آمد : هیات ، دوستی بود گذشت بی برگشت !

### ❁ تفسیر لفظی ❁

۱۹- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُبُوا النِّسَاءَ كَرَاهًا وَلَا تَعْضَلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضٍ مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ . ای کسانی که گرویده اند به اسلام ، شما را حلال نیست که زنان یکدیگر را برخلاف میلشان بمیراث برید و آنانرا از نکاح باز مدارید و از بهره زناشویی آنها را بی نصیب نکنید مگر آنکه با دلیل استوار و روشن فاحشگی کرده باشند و عاشر و همن بیالمعروف و فآن کَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا . بازنان به نیکویی بگذرانید و اگر آنان خوش آیند شما نباشند چه بسا چیزها که شما را ناخوش آیند در حالیکه خداوند برای شما در آن ، نیکویی و خیر بسیار قرار داده است .

۲۰- وَأَنْ أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ أَحَدَهُنَّ قِنْطَارًا أَفَلَاتَا خُدَّوْا مِنْهُ شَيْئًا اتَّخَذُوهُ بُهْتَانًا وَإِنَّكُمْ لَمُبِينُونَ . اگرخواستید زنی را بجای زن خود گیرید و به او قنطاری (یک کبوست گاو پراز زر) داده باشید از او باز مستانید ، چگونه بیدادگری بزرگ و گناه آشکارا برای خود بازمی ستانید ؟

۲۱- وَكَيْفَ تَأْخُذُوهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا . و چگونه آنچه کابین به او داده اید باز پس می ستانید در حالیکه بیکدیگر پیوسته و هم پوست زیست کرده و با هم نزدیکی کرده اید ؟

۲۲- وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا . به زنی نگیرید آن زنی را که پدران شما به زنی گرفته باشند مگر آنکه در جاهلیت بود و گذشت ، چون این کار زنا است ( نزد خدا ) و راهی بد و زشت است .

۲۳- حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ . بر شما حرام است به زنی گرفتن : مادرانتان و دخترانتان و خواهرانتان و عمه هاتان و خاله هاتان و دختران برادران و دختران خواهران و مادرانیکه دایه شما بوده و بشما شیر داده اند و خواهران هم شیر شما و مادرهای زنانان (خورد سوها) و ربائبکم اللاتیی فی حجورکم من نسائیکم اللاتی دخلتم بهن فان لم تکنوا دخلتم بهن فلا جناح علیکم و حلالیل الذین الذین من اصلابکم و آن تجمعوا بین الاختین الا ما قد سلف ان الله کان غفوراً رحیماً . (هم چنین) و دختراندرها که در کنار شما هستند از زنانیکه از شوهرهای پیش داشتند و شما به آنها نزدیکی کرده اید . پس اگر با آن زنها نزدیکی نکرده اید بر شما تنگی و منعی از ازدواج دخترانشان نیست و زنان پسرهای